

گسترش اعتراض‌ها و اعتصاب کارگران، بازنشستگان و ... در ایران!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

هفته گذشته و دیروز یکشنبه سوم دی ۱۴۰۲ که اعتصاب و اعتراض کارگران و سایر مزدبگیران در محل کار و تجمع‌های هفتگی بازنشستگان در خیابان‌ها در اعتراض به فقر و بی‌حقوقی ادامه داشت، دولت و مجلس سخت به جابه‌جا کردن ارقام بودجه و مفاد برنامه هفتم درگیر بودند تا بار بحران اقتصادی، فساد و ورشکستگی حکومت را بر دوش مزدبگیران و سایر اقشار محروم سریشان کنند. هم‌زمان، بازوهای سرکوب در بالاترین سطوح حکومتی برای مقابله با کارگران اعتصابی از جمله در فولاد اهواز به حرکت درآمدند تا اعتراض به فقر و گرسنگی، بیکاری و یاس و ناامیدی را سرکوب کنند.

در شرایطی که جامعه جهانی درگیر جنگ روسیه و اوکراین و جنگ اسرائیل علیه مردم فلسطین در غزه هستند، جمهوری اسلامی ایران، این وضعیت جهانی را مغتنم شمرده و بر سانسور و سرکوب و اعدام مخالفین سیاسی خود افزوده است.

بنا به خبر خانواده احمدرضا جلالی روز ۲۲ دسامبر، سه روز بعد از تایید حکم حبس ابد حمید نوری از دادگاه استیناف سوئد، یکی از عوامل دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با احمد رضا جلالی در زندان اوین دیدار می‌کند و به او می‌گوید که حکم اعدام وی به‌زودی اجرا می‌شود چرا که مورد تایید قرار گرفته است. او در عین حال ادعا می‌کند که دولت سوئد حمید نوری را در زندان نگه داشته است تا او را با احمدرضا جلالی معاوضه کند.

یک روز بعد از صدور رای دادگاه استیناف سوئد در مورد حمید نوری که به دلیل مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به حبس ابد در سوئد محکوم شده است، رسانه‌های جمهوری اسلامی اعترافات اجباری احمدرضا جلالی و حبیب چغب را پخش کردند تا زمینه را برای اجرای حکم اعدام احمدرضا جلالی آماده کنند.

حبیب چغب فعال سیاسی تبعه و ساکن سوئد بود که در سفری به ترکیه از سوی جمهوری اسلامی ربوده و به ایران برده شد و پس از شکنجه‌های فراوان در اردیبهشت ۱۴۰۲ اعدام گردید.

احمد رضا جلالی، بیش از هفت سال به اتهامات واهی در زندان جمهوری اسلامی به‌سر می‌برد. سیاست گروگان‌گیری جمهوری اسلامی از شهروندان دوتابعیتی، سیاستی باج‌گیرانه و ضد انسانی است اما با قاطعیت تمام از سوی جامعه جهانی محکوم نمی‌گردد و مورد اعتراض جدی قرار نمی‌گیرد.

نگار کورکور، خواهر «عباس کورکوری مشهور به مجاهد کورکور»، از بازداشت‌شدگان خیزش انقلابی در ایذه، از تایید حکم اعدام برادرش در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور خبر داده و گفته پرونده از شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز به دادگاه ایذه ارجاع شده است. او با تاکید بر بی‌گناهی برادرش از مردم خواست صدای او باشند.

سازمان عفو بین‌الملل، روز ۲۹ آذر با انتشار بیانیه‌ای نسبت به خطر جدی اجرای حکم اعدام مجاهد کورکور، منوچهر مهمان‌نواز، منصور دهمرده، محمد قبادلو و رضا رسایی، پنج تن از معترضان بازداشت شده در خیزش انقلابی هشدار داده است. به نوشته عفو بین‌الملل آن‌ها هدف شکنجه و خشونت جسمی و جنسی قرار گرفته‌اند.

وضعیت اقتصادی اکثریت مردم ایران به شدت وخیم است و گرانی و تورم و فقر غوغا می‌کند. در چنین وضعیتی، اختناق سیاسی نیز نفس مردم را بند آورده است.

فلاکت اقتصادی و اختناق سیاسی دست به دست هم داده‌اند و جامعه ایران را در معرض آسیب‌های متعددی از جمله یاس و ناامیدی، خودکشی، طلاق، اعتیاد، تن‌فروشی، فروش ارگان‌های بدن و... قرار گرفته‌اند.

البته در جامعه ایران پول کم نیست پول‌هایی که دست دولت و نهادها و سرمایه‌داری نزدیک به حاکمیت انباشته شده‌اند. هر از چند گاهی در یک گوشه جامعه فساد دولتی علنی می‌شود و مردم را شوکه می‌کند.

همه این عوامل سبب شده است که روزبه‌روز خشم مردم و نفرت از حاکمیت بیشتر می‌گردد و جامعه به‌سوی گسترش اعتراضات و اعتصابات در حرکت است.

اما باز هم حاکمیت چشم و گوش خود را بسته و تنها به کارگران و مردم معترض چنگ و دندان نشان می‌دهند. حکومتی که جز زبان زور و دزدی، هیچ زبان دیگری سرش نمی‌شود.

در ادامه همین مطلب، به اعتراض و اعتصاب کارگران و مزدبگیران به ویژه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و ریخت و پاش‌ها و دزدی‌های دولت و سرمایه‌داران می‌پردازیم.



شنبه دوم دی ماه، پس از آن که کارگران فولاد اهواز در اعتراض به عدم اجرای وعده‌ها، اعتصاب کرده و قصد داشتند مدیر عامل کارخانه را از مجتمع بیرون کنند، او که از ترس در درون ساختمان شرکت پناه گرفته بود، در گفت‌وگوی رسانه‌ای اعلام کرد تصمیم به در هم شکستن اعتصاب و جلوگیری از ورود ۲۱ کارگر به شرکت، در هماهنگی با شورای تامین استان صورت گرفته است. اعتصاب کارگران فولاد اهواز یک‌شنبه سوم دی ادامه یافت. کارگران مقابل کارخانه تجمع کرده و شعار دادند. یکان ویژه در محل تجمع کارگران مستقر شد.

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز روز یک‌شنبه سوم دی ماه ۱۴۰۲، در اعتراض به تعلیق کارگران در دومین روز اعتصاب خود تمامی درهای ورودی و خروجی شرکت را مسدود نمودند.

۱۵۰۰ کارگر فولاد از محل کارخانه تا میدان باقی در ابتدای جاده اهواز- خرمشهر راهپیمایی کردند و با شعارهای رزمنده خود مجدداً به کارخانه برگشتند. کارگران قبلاً به مدیرعامل فرصت داده بودند تا ضمن لغو ممنوعیت ورود ۲۱ نفر از همکاران‌شان، اجرای کامل طبقه‌بندی را اعلام نماید که وی از انجام این موضوع سرباز زد.

طبق گزارشات منتشر شده، شب گذشته مدیریت شرکت و حراست شرکت اقدام به مسدود کردن کارت ورود ۱۷ نفر دیگر از کارگران نموده و بدین ترتیب تاکنون ۳۸ نفر از کارگران به دلیل اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی از کار تعلیق شده‌اند. گفتنی است، در واکنش به این اتفاق، کارگران تمامی بخش‌ها امروز صبح از ورود به محل کار خودداری کرده و تمامی درهای ورودی و خروجی شرکت را مسدود نمودند.

در نخستین روز آبان‌ماه چند تجمع اعتراضی در شهرهای مختلف ایران برگزار شد. بازنشستگان شرکت مخابرات در ادامه سلسله تجمعات اعتراضی خود در چند شهر کشور به‌طور هم‌زمان تجمع کردند. کارکنان رسمی وزارت نفت در شرکت نفت فلات قاره در منطقه عملیاتی جزیره خارک و نیز منطقه سیری نیز از جمله اصناف معترض در اول آبان بودند.

با نزدیک شدن موعد انتخابات دوازدهمین دوره مجلس (جمعه ۱۱ اسفند)، در شرایطی که رهبران حکومت از روی گردانی مردم از شرکت در انتخابات ابراز نگرانی می‌کنند، تشکلهای کارگری و بازنشستگی دست‌ساز حکومت بر تلاش مایوسانه ترغیب کارگران و بازنشستگان به شرکت در انتخابات افزودند. حسن صادقی رییس تشکل حکومتی بازنشستگان و معاون دبیرکل خانه کارگر مدعی شد وضعیت موجود «نتیجه عدم حضور ما پای صندوق رای است» و «راه رسیدن به امنیت شغلی، امنیت پایدار تامین اجتماعی و امنیت اقتصادی از مسیر مجلس می‌گذرد.» بازنشستگان پاسخ او را در خیابان دادند. آن‌ها فریاد زدند: «عدالتی ندیدیم، ما دیگه رای نمی‌دیم.»

اکبر شوکت، رییس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی درباره آخرین وضعیت بیمه کارگران ساختمانی گفت حدود ۵۰۰ هزار کارگر ساختمانی در صف بیمه‌شدن بلا تکلیف‌اند و بیمه ۳۰۰ هزار کارگر ساختمانی هم در سه سال گذشته قطع شده است. قانون بیمه کارگران ساختمانی در چهار دهه گذشته بارها میان مجلس و دولت دست به دست و جرح و تعدیل شده، اما هر بار به دلیل «نبود منابع مالی» راکد مانده است.

در هفته منتهی به دوم دی، اعلام شد ۸۳ تن از ۱۴۳ کارگر اخراجی شهرداری جیرفت که دو تا سه سال در برابر روزی هشت تا ۱۲ ساعت کار دو تا سه میلیون و ۸۰۰ هزار تومان حقوق می‌گرفتند با وجود اعتصاب و تجمع ادامه‌دار هنوز به سر کار باز نگشته‌اند.

هم‌چنین، سندی در فضای مجازی منتشر شد که نشان می‌داد شهرداری بندرعباس برای مداحی در یک مراسم مذهبی، به یک مداح ۶۰ میلیون تومان پول پرداخته است. یک روزنامه‌نگار در توضیح این خبر نوشت ۶۰ میلیون تومان پایه درآمد مداحان در شهرهای کوچک است.

در هفته منتهی به دوم دی، بیکارسازی دسته‌جمعی کارگران نیز ادامه یافت. کارخانه قند رستم واقع ممسنی که چهار ماه پیش کار را با ۹۰ کارگر از سر گرفته بود، ۶۰ تن از کارگران را اخراج کرده و ۳۰ کارگر باقیمانده در آستانه بیکاری قرار دارند. قند ممسنی پس از ۱۰ سال تعطیلی، در مردادماه امسال در چارچوب تبلیغات دولت ریسی مبنی بر راه‌اندازی مجدد کارخانه‌های تعطیل با پرداخت اعتبارات بانکی آغاز به کار کرد. سود بانکی اعتبارات بانکی چنان بالاست که به گفته کارگران، بازپرداخت آن ممکن نیست.

شنبه دوم دی ماه، مدیریت کارخانه آب معدنی داماش برای شکستن اعتصاب ۱۰ روزه کارگران این کارخانه، کارگران را ممنوع‌الورود کرد و گفت در صورت ادامه اعتراض، اخراج و برای دریافت بیمه بیکاری به سازمان تامین اجتماعی ارجع داده می‌شوند.

شنبه دوم دی، گروهی از اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق مقابل ساختمان امور استخدای در تهران و گروهی از پرستاران در کرمانشاه مقابل استانداری تجمع کردند.

در هفته منتهی به یکشنبه سوم دی، ۱۴۰۲ تجمع هفتگی بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان صندوق فولاد، بازنشستگان مخابرات، بازنشستگان کشوری و بازنشستگان صنعت نفت ادامه یافت. گروهی از بازنشستگان تامین اجتماعی که برای پیگیری مطالبات‌شان به «کانون بازنشستگان» وابسته به خانه کارگر مراجعه کرده بودند، از سوی مسئولان این نهاد دست‌ساز حکومت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

یکشنبه سوم دی، بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش و اراک، بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری در کرمانشاه، بازنشستگان فولاد در تهران و اصفهان، و کارکنان شرکت نفت فلان قاره در جزیره سپری تجمع اعتراضی برپا کردند.

بازنشستگان علاوه بر تجمع‌های خیابانی هفتگی، با شعار «اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد» به تجمع سراسری فراخوان داده‌اند. این تجمع قرار است دوشنبه چهارم دی مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران برگزار شود.

در هفته‌ای که رییس انجمن حمایت از بیماران سوخته (ققنوس) اعلام کرد سالانه حدود دو هزار کارگر (اغلب کارگران ساختمانی) دچار سوختگی الکتریکی می‌شوند و روزانه به‌طور میانگین بیش از ۳ کارگر (۳/۵۶) در اثر سوختگی الکتریکی دست‌کم یک عضو خود را از دست می‌دهند. قربانیان سوختگی الکتریکی بیش‌تر کارگران ساختمانی و جوان هستند و «اغلب هم دست و پای خود را از دست می‌دهند و تا پایان عمر از کار افتاده می‌شوند.» ۶۵ درصد کارگران یک عضو خود را از دست می‌دهند، برخی کارگران دو دست و برخی دو دست و یک پای خود را از دست می‌دهند.

شنبه دوم دی، تجمع سراسری اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق در تهران، برگزار شد. اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق که از شهرهای مختلف برای شرکت در تجمع به تهران رفته بودند، با خواست اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در تهران مقابل سازمان امور استخدای تجمع کردند. قرار بود سال ۹۹ با تصویب و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل وضعیت شغلی ۹ هزار کارگر وزارت نیرو مشخص و موقعیت شغلی آن‌ها به‌روز شود اما این طرح در سازمان امور استخدای راکد مانده است. یکی از کارگران شرکت‌کننده در تجمع گفت:

هر دفعه به یک بهانه‌ای تصویب طرح طبقه‌بندی را عقب می‌اندازند؛ ۹ هزار کارگر وزارتخانه نیرو و برق مناطق کشور سال‌هاست پادروا مانده‌اند؛ در حالی که همه‌ی اینها مدرک تحصیلی لیسانس یا بالاتر دارند ولی متاسفانه حقوق سیکل را می‌گیرند.

پرستاران استان کرمانشاه، روز شنبه دوم دی با خواست رفع تبعیض در پرداخت دستمزد پرستاران بیمارستان‌های مختلف، پرداخت حق اضافه‌کاری و سایر معوقات مزدی مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند.

شنبه دوم دی کارگران بیکار شده شرکت صنایع خمیر و کاغذ دیبای شوستر کاغذسازی کارون، در اعتراض به تعطیلی شرکت و بیکارسازی دسته‌جمعی کارگران مقابل شرکت تجمع کردند. این کارخانه که بیش از ۵۰۰ نیروی بومی شهرستان‌های شوستر و گتوند در آن به کار مشغول بودند، «به دلیل عدم حمایت‌ها» تعطیل شد و کارگران آن بیکار شدند.

این کارخانه در مرداد ۱۴۰۰ آغاز به کار کرده و در ۳۰ اذر ۱۴۰۲ بدون اعلام قبلی تعطیل شد. علی محمد اسفندیاری، مدیر عامل شرکت صنایع خمیر و کاغذ دیبای شوستر گفته است بانک ملی وعده پرداخت ۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار به شرکت را عملی نکرد و «با این شرایط ماندن در چرخه تولید برای شرکت میسر نیست.»

مغازه‌داران و لنج‌داران گناوه استان بوشهر، به ادامه محدودیت‌ها برای ترخیص اقلام تهنجی اعتراض کردند. عدم ترخیص کالاها از گمرک، خانه‌خرابی لنج‌داران و کسبه‌ای که زندگی و معیشتشان به دریا و خرید و فروش کالاها وابسته است را رقم زده است. در حالی که

در نبود فرصت‌های شغلی در گناوه و بندر ریگ، فروش تهنجی به منبع اصلی تامین معیشت بخش قابل توجهی از ساکنان این مناطق شده است، دولت با تصویب یک لایحه کالاهای همراه ملوانان موسوم به اقلام تهنجی را محدود و تهنجی را به‌عنوان قاچاق جرم‌انگاری کرد. مغازه‌داران و لنج‌داران گناوه در اعتراض به این لایحه از چهارم آذر اعتصاب و تجمع‌های خیابانی را سازمان دادند که حدود دو هفته طول کشید.

در نهمین روز اعتصاب بازاریان گناوه، که به در اعتراض به کاهش اقلام تهنجی و عدم ترخیص کالا از گمرک آغاز شده، لنج‌داران و مغازه‌داران مقابل فرمانداری سفره خالی پهن کردند. از آغاز اعتصاب مغازه‌ها تعطیل‌اند و بازار کلا بسته شده است. اعتصاب بازاریان گناوه که در اعتراض به محدود کردن اقلام تهنجی یا کالاهای همراه ملوانان و جرم‌انگاری تهنجی به عنوان قاچاق دوشنبه ۴ آذر آغاز شد و این هفته ادامه یافت، در ادامه از گناوه به بندر ریگ رسید. در هر دوی این شهرها بازاریان و لنج‌داران مقابل فرمانداری سفره‌ی خالی پهن کردند. سه‌شنبه ۱۴ آذر بازاریان و لنج‌داران بندر ریگ هم مقابل فرمانداری سفره‌ی خالی پهن کردند. معترضان می‌گویند: «چرا باید دولت با ارسال لایحه‌ای به مجلس خواستار محدودیت تهنجی شود، مگر ما این‌جا فرصت‌های شغلی دیگری برای امرار معاش داریم؟ نمی‌دانند چند خانواده از این طریق نان می‌خورند؟»

کارگران کارخانه فولار آرمان شفق واقع در تاکستان قزوین، در اعتراض به اجرای نادرست طرح طبقه‌بندی مشاغل، پایین بودن دستمزدها، عدم پرداخت حق اضافه‌کاری و سایر مطالبات معوقه دوشنبه ۲۰ آذر اعتصاب چند ساعته‌ای را سازمان دادند. کارگران دست از کار کشیدند و در سالن تولید کارخانه تجمع کردند. کارگران می‌گویند گرچه اضافه‌کاری در روزهای تعطیل اجباری است اما کارفرما از پرداخت حق اضافه‌کاری خودداری می‌کند. برخی مطالبات مربوط به سال‌های قبل هم به کارگران پرداخت نشده است.

اعتصاب کارگران کارخانه آب معدنی داماش واقع در رودبار، که از ۲۲ آذر با خواست پرداخت سه ماه حقوق آغاز شده تا اول دی ماه ادامه یافت.

تولید در کارخانه آب معدنی داماش رونق دارد و به گفته‌ی کارگران روزانه ده‌ها هزار لیتر آب معدنی تولید و روانه بازار می‌شود اما کارفرما با این ادعا که توان مالی پرداخت حقوق کارگران را ندارد، سه ماه است دستمزدها ۴۰ کارگر کارخانه را پرداخت نکرده است. در جریان اعتصاب، کارفرما یک ماه حقوق عقب‌افتاده کارگران را پرداخت. کارگران خواستار پرداخت کامل حقوق عقب‌افتاده خود هستند. دوم دی، کارفرما برای درهم شکستن اعتصاب تمام کارت‌های حضور و غیاب کارگران را جمع‌آوری و کارگران را به ترک محل کار وادار کرد.

یکی از کارگران داماش به ایلنا گفت:

این اتفاق صبح روز شنبه دو دی ماه، پس از آن افتاده است که همه حدود ۴۰ کارگر کارخانه آب معدنی داماش از روز ۲۲ آذر ماه با برپایی اعتراض صنفی، خواستار به‌روز شدن روند پرداخت مطالبات مزدی خود شدند. کارفرما به کارگران اعلام کرده است در صورت ادامه اعتراضات صنفی، می‌بایست با دریافت نامه ترک‌کار برای دریافت مقرری بیمه بیکاری خود را به اداره کار معرفی کند. کارگران اعتصابی داماش گفته‌اند نه تنها کارفرما به اعتراض آن‌ها وقعی نمی‌گذارد بلکه مسئولان رودبار و استان گیلان هم واکنشی از خود نشان نمی‌دهند.

یک کارگر اعتصابی داماش می‌گوید:

وضعیت کارخانه و کارگران آب معدنی داماش برای مسئولان شهرستان رودبار و حتی استان گیلان عادی شده و واکنشی از خود نشان نمی‌دهند با این حال کارگران چاره‌ای جز ادامه اعتراضات صنفی تا رسیدن به حداقل بخشی از مطالبات خود ندارند... طی چند روز گذشته چند بار با برخی از مسئولان شهرستان رودبار از جمله بخش‌داری منطقه عمارلو و اداره کار شهرستان تماس گرفتیم و آنها را در جریان مشکلات پیش آمده قرار دادیم اما کاری از پیش نبرده و اقدامی برای پیگیری مطالباتمان انجام نداده‌اند.

کارگران بومی پروژه‌ای تغلیظ معدن درآلو واقع در استان کرمان، به کنار گذاشته‌شدن از کار در این مجتمع اعتراض کردند. کارگران در پروسه راه‌اندازی پروژه به کار گرفته شدند. به کارگران وعده داده شده بود پس از راه‌اندازی شرکت، در کارخانه به کار گرفته می‌شوند. اما مرداد ماه امسال که مجتمع کار خود را آغاز کرد، کارگران بومی که برخی از آن‌ها بیش از ۱۰ سال برای راه‌اندازی آن کار کرده‌اند، ملزم به انجام یک آزمون ورودی شدند.

کارگران می‌گویند شرایط و نحوه‌ی برگزاری آزمون، به گونه‌ای بود که کارگران پروژه‌ای شانس قبولی در آن نداشتند. کارگران به خبرگزاری دولتی ایلنا گفته‌اند:

رشته ما در آزمون بود، اما منابع ما در دفترچه نبود. ما قبلا اعلام کردیم و گفتند رسیدگی می‌کنیم اما زمان آزمون متوجه شدیم منابع امتحانی فرق دارد... تاریخ آزمون را یک هفته قبل از برگزاری آن اعلام کردند و عملاً فرصتی برای آمادگی در آزمون نبود. همچنین با توجه به شرایط پراسترس پرسنل که در اوج عملیات پیش‌راه‌اندازی بودند و روزانه تا ۱۴ ساعت درگیر کار و رفت‌وآمد بودند، عملاً امکانی برای مطالعه و آمادگی فراهم نبود.

کارگران افزوده‌اند: «حداقلی‌ترین کاری که می‌شد برای کارگران با سابقه‌ی این پروژه انجام داد این بود که در آزمون، امتیازی برای آن‌ها در نظر می‌گرفتند اما این اتفاق نیفتاد.»

معدن مس درآلو در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شهر کرمان قرار دارد. برخی کارگران بومی که اکنون بیکار شده‌اند از سال ۸۹ و سایرین از سال ۹۵ برای احداث آن کار کرده‌اند.

کارگران معدن زغال سنگ رزمجای غربی در استان سمنان، به عدم تمدید بیمه درمانی خود اعتراض کردند. دو ماه حق بیمه کارگران پرداخت نشده و کارگران از بیمه تکمیلی هم محرومند. ایلنا نوشت:

اداره تامین اجتماعی شعبه دامغان در استان سمنان به دلیل بدهی‌های مالی پیمان کار شرکت زغال سنگ البرز شرقی به تامین اجتماعی اخیراً از تمدید اعتبار درمان کارگرانی که نیازمند خدمات هستند، خودداری کرده است. یکی از کارگران معدن زغال سنگ رزمجای غربی با بیان اینکه او و همکارانش بیش از ۲۰ سال است که به سازمان تامین اجتماعی حق بیمه پرداخت می‌کنند. یکی از کارگران گفت:

مگر می‌شود ۱۲۰ کارگری که هر لحظه احتمال وقوع حادثه برایشان وجود دارد فاقد بیمه تامین اجتماعی و بیمه تکمیلی باشند؟ ما کارگرانی که در اعماق زمین کار می‌کنیم چگونه می‌توانیم با حداقل دریافتی ۸ تا ۱۰ میلیون تومان در کنار مخارج زندگی هزینه درمان خود را از جیب پردازیم؟

۸۳ تن از ۱۴۳ کارگر اخراجی شهرداری جیرفت در استان کرمان، هنوز به سر کار باز نگشته‌اند. کارگران اخراجی شهرداری جیرفت در دو ماه گذشته بارها با برگزاری تجمع خواستار با این بهانه که به کارگیری کارگران از ابتدا خلاف قانون بوده، مانع کار کارگران می‌شد. پس از اعتراضات ممتد کارگران، مسئولان محلی وعده رسیدگی دادند.

ایلنا نوشته است ۶۰ تن از کارگران با موافقت شهردار جدید به کار بازگشته‌اند. کارگران پیمانی شهرداری جیرفت که اکنون بخشی از آن‌ها به سر کار بازگشته‌اند، «طی دو تا سه سال گذشته همواره دستمزد آن‌ها با روزی ۸ تا ۱۲ ساعت کار زیر حداقل‌های قانونی مصوبه شورای عالی کار (۲ تا سه میلیون ۸۰۰ هزار تومان) پرداخت شده است.»

کارگران کیش چوب واقع در استان هرمزگان، به تعویق پرداخت دستمزد اعتراض کردند. ایلنا به نقل از کارگران این کارخانه نوشت آن‌ها چهار ماه حقوق نگرفته‌اند و بخشی از مطالبات سال ۱۴۰۱ نیز به آن‌ها پرداخت نشده است.

کارگران گفته‌اند حقوق آن‌ها با چند ماه تاخیر پرداخت می‌شود. کارفرما هر هفته به حساب تعدادی از کارگران پول واریز می‌کند. اغلب کارگران کیش چوب و مبلمان‌سازی زیرمجموعه آن مهاجرند و دور از خانواده‌های خود در استراحتگاه‌هایی که شرکت ایجاد کرده در شرایط نامناسب زندگی می‌کنند.

کارگران کارخانه قند رستم ممسنی واقع در استان فارس به عدم امنیت شغلی اعتراض کردند. کارخانه قند ممسنی رستم در پی یک تعطیلی ۱۰ ساله کار خود را در مردادماه امسال با ۹۰ کارگر از سر گرفت و اکنون به دلیل عدم تخصیص اعتبارات وعده شده در آستانه تعطیلی قرار گرفته است. ۶۰ تن از کارگران تاکنون اخراج شده‌اند.

دوم دی- تجمع کارگران کارخانه کاغذ سازی دیبا

یکی از کارگران درباره چگونگی راه‌اندازی مجدد و رکود دوباره تولید در این کارخانه گفته است:

از سوی هیئت حمایت از تولید نزدیک به ۲۸ میلیارد تومان بودجه به این واحد تولیدی تزریق شد که ۱۶ میلیارد و چهارصد میلیون تومان آن صرف پرداخت مطالبات کارگران و بازنشستگان کارخانه شد و کم‌تر از ۱۲ میلیارد تومان برای تعمیرات کارخانه مصرف شده است، مصرف یک ماه کارخانه حدود ۱۰ هزار تن شکر خام است که نیاز به اعتبار ۲۰۰ میلیارد تومانی دارد.... اعتبارات مالی که مسئولان وعده پرداخت آن را به این واحد تولیدی داده‌اند، درصد سود بالایی دارد و کارخانه تازه احیا شده‌ی قند رستم که پیش از این مشکلات زیادی را پشت سر گذاشته، توان بازپرداخت آن را ندارد.

کارگران فولاد اهواز، یک‌شنبه سوم دی، در دومین روز اعتصاب، خواستار رفع مسدودیت کارت ورودی ۳۸ تن از همکاران خود و اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل شدند.

اعتصاب کارگران شرکت ملی فولاد (فولاد اهواز) که در پی به نتیجه نرسیدن مذاکرات با مدیریت شرکت و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، شنبه دوم دی آغاز شده بود، یک‌شنبه سوم دی ادامه یافت.

شنبه دوم دی مدیرعامل شرکت که در دفتر یکی از معاونانش مخفی شده بود، از طریق مصاحبه با رسانه‌ها اعلام کرد تنها ۱۰ درصد از طرح طبقه‌بندی قابل اجراء است و ممنوع‌الورود کردن کارگران در هماهنگی با شورای تامین استان و برای جلوگیری از اعتصاب صورت گرفته است. مدیریت کارخانه که شنبه ورود ۲۱ تن از کارگران را به شرکت ممنوع کرده بود، در پی اعتصاب تعدادی از کارگران را تعلیق کرد.

شنبه شب، مدیریت کارخانه کارت ورود ۱۷ نفر دیگر از کارگران را مسدود کرد. شمار کارگران ممنوع‌الورود به کارخانه اکنون به ۳۸ نفر رسیده است.

کارگران یکشنبه سوم دی از ورود به شرکت خودداری و در حالی که شعار می دادند، از مقابل شرکت تا میدان بقای اهواز راهپیمایی کردند. آن‌ها شعار می دادند: ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد می جنگیم، می جنگیم.

کارگران رسمی، قراردادی، پیمانی و بازنشسته نفت در هفته منتهی به یکشنبه سوم دی هر روز یک یا تجمع اعتراضی برپا کرده و خواستار رسیدگب به مطالبات خود شدند.

کارگران نفت در هفته‌ی منتهی به سوم دی از جمله در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، شرکت نفت فلات قاره لاوان، جزیره سیری، سکوهای ابودر و بهرگانسر، شرکت استیم پتروشیمی اسلام غرب، در عسلویه و پارس جنوبی تجمع اعتراضی برپا کرده‌اند. کارگران نفت هر هفته برای تحقق این خواست‌ها تجمع اعتراضی برپا می‌کنند: حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت.

در پتروشیمی چوار واقع در ایلام، که کارگران آن بارها در اعتراض به عدم امنیت شغلی و کمی دستمزد اعتصاب و تجمع برپا کرده‌اند، پنج‌شنبه ۳۰ آذر دو کارگر دیگر به نام‌های جواد نوروزی و مصطفی عباسی که اخراج شده بودند، خود را در محوطه شرکت حلق‌آویز کردند. کارگران توسط همکاران‌شان نجات یافته و به بیمارستانی در ایلام منتقل شدند.

جواد نوروزی و مصطفی عباسی دو کارگر پیمانی پتروشیمی چوار در استان ایلام پس از این که از کار اخراج شدند، در محوطه مجتمع پتروشیمی خود را حلق‌آویز کردند. این دو کارگر به بیمارستانی در ایلام منتقل شده‌اند و وضعیت جسمی آن‌ها وخیم گزارش شده است. کارگران مصدوم پس از سال‌ها کار به صورت پیمانی، در روزهای گذشته بیکار شده‌اند و تلاش آن‌ها برای بازگشت به کار ناموفق بوده است.

از مرداد سال ۱۴۰۱ سال گذشته چهار کارگر دیگر این شرکت به دلیل فشارهای معیشتی، عدم امنیت شغلی و فقدان امید به بهبود وضعیت‌شان خودکشی کردند و جان باختند. اسامی آن‌ها عبارت است از: حیدر محسنی، متهل و پدر دو فرزند، که ۱۸ سال سابقه کار داشت، پس از اخراج به زندگی خود پایان داد؛ محمد منصوری، متولد: ۱۳۷۰، متهل و پدر دو کودک؛ علی محمد کریمی؛ آرش تبرک.

بازنشستگان صندوق فولاد، یکشنبه سوم دی، هم‌زمان در تهران و اصفهان تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. تجمع بازنشستگان در تهران مقابل وزارت کار برگزار شد. بازنشستگان که پلاکاردهایی حاوی مطالبات‌شان در دست داشتند شعار می‌دادند: بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن.

بازنشستگان فولاد در اصفهان نیز شعار می‌دادند: اجرای همسان‌سازی، بدون حقه‌بازی.

بازنشستگان صندوق فولاد خواستار اجرای قانون همسازی حقوق بازنشستگان، بهبود وضعیت معیشت، بهره‌مندی از امکانات درمانی مناسب هستند و به دست‌اندازی وزارت کار به صندوق بازنشستگان خود معترضند هر یکشنبه دستکم در دو شهر تجمع می‌کنند. تجمع مشترک بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی در کرمانشاه با شعار: متحد و همبسته، علیه فقر و فساد

بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی کرمانشاه، یکشنبه سوم دی، با فراخوان قبلی تجمع کردند. در این تجمع صدها نفره، بازنشستگان که پلاکاردهایی حاوی مطالبات‌شان در دست داشتند، شعار سر دادند. یکی از بازنشستگان شعری با عنوان «خواب دیدم رفتم کانادا» را خواند که در آن به طنز مواردی از اختلاس و دزدی در نهادهای حکومت و فرار اختلاس‌گران به کانادا بیان شده بود. در قطع‌نامه پایانی تجمع بازنشستگان کرمانشاه آمده است:

طرح‌ها و قوانین تحمیلی شما در برنامه هفتم توسعه و بودجه ۱۴۰۳ نیز به جز ریاضت کشی، زندگی زیر خط فقر، استرس و نگرانی و یاس و ناامیدی بیشتر از قبل، برای اکثریت مردم دستاوردی نخواهد داشت. ما بازنشستگان مطالبه‌گر چون به امید برخورداری از منزلت و معیشت و درمان مناسب و آرامش در کنار خانواده در دوران میانسالی و کهنولت، به مدت ۳۰ سال، ۳۰ درصد حاصل تلاش‌مان را به صندوق‌های بازنشستگی سپرده‌ایم، تا آخر ایستاده و بارها اعلام کرده‌ایم که این شرایط خفت‌بار و توهین آمیز را نپذیرفته و نخواهیم پذیرفت. تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم!

بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی دربارۀ فراخوان تجمع سراسری چهارم دی که قرار است در تهران برگزار شود، از مسئولان پرسیده‌اند:

آیا بهتر نیست به جای افزایش مالیات‌ها و افزایش تورم در لایحه بودجه، ۱۴۰۳ دولت و مجلس با کاهش حقوق و مزایای خود، وزراء، معاونان وزراء، مدیران کل، رؤسای قوا و سایر مسئولین ارشد، حذف حق ماموریت‌ها، کاهش هزینه‌های تشریفاتی، سفرهای داخلی و خارجی و... از خودگذشتگی کنند و انقلابی‌گری را در عمل نشان بدهند؟

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با انتشار بیانیه‌ای به افزایش سن بازنشستگی توسط مجلس، بلا تکلیفی قانون همسان‌سازی و هم‌ترازی حقوق بازنشستگان، و بی‌توجهی حکومت به خواست‌ها و مطالبات بازنشستگان اعتراض کرده و نوشته است دولت‌های دوره‌های مختلف با عمل نکردن به قانون همسان‌سازی، بی‌حقوقی و فلاکت معیشتی را به بازنشستگان تحمیل کرده‌اند. شورای هماهنگی

فرهنگیان نوشته است در ادامه این روند در ده سال اخیر وضعیت معیشتی، رفاه و خدمات درمانی بازنشستگان بحرانی و فاجعه بار شده است. این تشکل نوشته است:

شوربختانه دولت‌های دوره‌های متعدد با عمل نکردن به قوانین بازنشستگی موجب فلاکت معیشتی روزافزون و رنج این قشر گردیده‌اند. با این وصف وضعیت معیشتی، رفاه و خدمات درمانی بازنشستگان در هیچ دوره‌ای مانند ده سال اخیر بحرانی و فاجعه بار نبوده است با وجودی که بازنشستگان همواره با کنش‌های مختلف از مکاتبه، دیدارها و مذاکرات و برگزاری تجمعات متعدد در انتقال این اوضاع نا به سامان به مسئولان ذی ربط کوتاهی نکرده‌اند و مضافاً قوانین مهم اجرا نشده را به آن‌ها گوشزد کرده‌اند اما دریغ از اجرای قوانین مصوب و بهبود بخشی اوضاع معیشتی، رفاهی و درمانی بازنشستگان که نتیجه این بی‌توجهی و قانون‌گریزی فلاکت مضاعف اقتصادی برای همه‌ی اقشار به ویژه بازنشستگان بوده است.

این تشکل ضمن برشمردن مصوبات قانونی که سال‌هاست اجرای آن‌ها به تعویق افتاده از اعتراض بازنشستگان حمایت کرده و از فرهنگیان شاغل خواسته است با شرکت در تجمعات سه‌شنبه‌های اعتراضی از بازنشستگان حمایت کنند. بیانیه افزوده است: اجرای این خواسته‌ها که تماماً در چهارچوب قوانین مصوب همین حاکمیت است ماه‌ها و سال‌هاست که در تجمعات فرهنگیان مطرح می‌شود اما گوش شنوایی برای شنیدن این فریادها نیست. با این اوصاف، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن حمایت از اعتراضات قانونی بازنشستگان محترم از همه فرهنگیان شاغل و بازنشسته درخواست می‌کند که جهت تحقق خواسته‌های فوق در تجمعات اعتراضی سه‌شنبه‌ها حضور فعال داشته باشند.

روز یک‌شنبه سوم اردیبهشت، کارگران صنایع پتروشیمی در بیش از ۳۰ مرکز در شهرهایی چون عسلویه، کنگان، دهلران و گچساران اعتصاب کردند.

کارگران دیگری نیز به این اعتصاب‌ها پیوسته‌اند؛ از جمله کارگران شرکت آزمون فلز. هم‌چنین اعتصاب به پرسنل اداری و دفتری شرکت سکاف شاغل در پالایشگاه آبادان نیز رسید. کارگران شرکت پایا صنعت واقع در پترو پالایش کنگان، کارگران شرکت مبین صنعت شاغل در پتروشیمی آدیش کنگان و هم‌چنین کارگران پروژه‌ای صنعت نفت و گاز شاغل در واحد صنعتی شهرهای شیراز، لردگان، کرمان، بندر جاسک، ایذه، یزد، هفتشجان، ماهشهر، اهواز، بوشهر، اصفهان و جزیره لاوان، از دیگر کارگران اعتصاب‌کننده هستند.

عدم رسیدگی به مطالبات کارگران از سوی دولت و هم‌چنین عدم افزایش متناسب دستمزدها، مهم‌ترین دلایل این اعتصاب‌هاست. برخی کارگران معترض گفته‌اند شرایط در کنکان و عسلویه «بسیار امنیتی» است و در برخی موارد کارگران و خانواده‌هایشان تهدید شده‌اند. هم‌چنین بسیاری از کارگران اعتصاب‌کننده در عسلویه و کنگان به شهرهای خود بازگشته‌اند و اعلام کرده‌اند تا زمانی که با افزایش حقوق آنان موافقت نشود، به محل کار خود بازمی‌گردند.

بر اساس این گزارش، کارگران شرکت‌هایی مثل شرکت پاینده که در فازهای مختلف عسلویه و کنگان کار ساخت تجهیزات و نصب را انجام می‌دهند هم در اعتصاب به سر می‌برند.

کارگران پروژه‌ای گندله‌سازی بهاباد (واحد تولید گندله آهن از کنسانتره کارخانه چادرملو) و کارگران پروژه‌ای شاغل در فولاد غدیر نی‌ریز نیز اعتصاب کردند.

اما خبرهای منتشر شده، نشان می‌دهند در دو معدن مس کرمان، کارگران پیمان کاری داودی‌فرد، شاغل در معدن درالو و کارگران شرکت فراسان، شاغل در معدن خاتون‌آباد هم روز یک‌شنبه سوم اردیبهشت ماه به اعتصاب پیوستند.

روز جمعه یکم اردیبهشت نیز جمعی از کارگران پتروشیمی بوشهر دست به اعتصاب زده بودند. اعتصاب‌های کارگری، به‌ویژه اعتصاب‌های کارگری از ابتدای سال جاری خورشیدی از سر گرفته شده و روزبه‌روز بر تعداد معترضان اضافه می‌شود.

این در حالی است که این اعتصاب‌ها و تجمع‌های اعتراضی کارگران در سال‌های گذشته نیز همواره برگزار شده‌اند و دولت جمهوری اسلامی بدون دادن پاسخ درخور به معترضان، تنها اعمال فشار بر فعالان صنفی را بیش‌تر کرده است.

روز یک‌شنبه ۳ دی ۱۴۰۲-۲۵ دسامبر ۲۰۲۳، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در دومین روز اعتصاب خود در اعتراض به تعلیق ۳۸ تن از همکاران خود و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل تمامی درهای ورودی و خروجی شرکت را بستند و از مقابل شرکت تا میدان بقایی اهواز راه‌پیمایی کردند.

کارگران اعتصابی با سردادن شعارهایی نظیر «مشکل ما حل نشه اهواز قیامت می‌شه» و «سفره ما خالیه ظلم و ستم کافیه»، «ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می‌جنگیم» و...، اعتراض و پیگیری خود را برای رسیدن به خواسته‌های خود بیان کردند.

هم‌چنین نیروهای سرکوبگر یگان ویژه برای سرکوب کارگران اعتراضی در محل اعتصاب و تجمع کارگران مستقر شده‌اند. شب گذشته مدیریت شرکت و حراست اقدام به مسدود کردن کارت ورود ۱۷ نفر دیگر از کارگران نموده و بدین ترتیب تاکنون ۳۸ نفر از کارگران به دلیل اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی از کار تعلیق شده‌اند.

در واکنش به این اتفاق، کارگران تمامی بخش‌ها امروز صبح از ورود به محل کار خودداری کرده و تمامی درهای ورودی و خروجی شرکت را مسدود نمودند.

از شب شنبه، کارت ورود ۲۱ تن از کارگران گروه ملی فولاد اهواز شاغل در بخش‌های یک، دو، ماشین‌سازی، تاسیسات، فولادسازی، لوله‌سازی و کوثر، توسط مدیریت مجموعه مسدود شد. اسامی کارگرانی که از ورود آنان به مجموعه جلوگیری شد: ناصر منصوری؛ حافظ کنعانی؛ امیر دورباف‌زاده؛ احمد حویزه؛ خلف مگدم؛ جاسم جرفی؛ شهاب حیدری؛ مرتضی اکبریان؛ محسن میرزاختی؛ فرزاد؛ سلطانی؛ مسعود ناصری؛ عارف غلامی؛ مییم امیری؛ بابک صالحی فرج عموری؛ ابوالفضل بهرامی؛ عبدالله درویشی؛ سیدعلی موسوی؛ ابراهیم عباسی منتظری؛ فریبرز کشاورز؛ یوسف شریفی. کارگران فولاد در کانال تلگرامی خود نوشتند:

«اگر فقط یک‌بار زندگی می‌کنیم، می‌خواهیم کارگران رزمنده‌ای باشیم که زندگی با شرافت را به جای ذلت و بردگی برگزینیم. بگذار شانه‌به‌شانه برادری حرکت کنیم که به حقوق‌شان و خانواده‌هایشان عشق می‌ورزند. می‌خواهیم فرزندانمان با طنین عدالت‌طلبی ما به وجد آیند. بگذار مبارزانی باشیم که در چشمان طبقه کارگر برق جوشش و بویش می‌اندازند. تازه آغاز راهیم؛ نبردی دشوار که وسوسه تسلیم در آن راه ندارد.»



تجمع کارکنان شرکت نفت فلات سیری، روز یک‌شنبه ۳ دی ۱۴۰۲

طی روزهای گذشته این اعتراضات در شرکت نفت فلات قاره بهرگان و شرکت نفت فلات قاره عملیاتی لاوان صورت گرفته بود. خواسته‌های کارکنان: برکناری مدیران نالایق؛ حذف کامل سقف حقوق؛ حذف محدودیت حق‌سنوات بازنشستگی؛ عودت کسورات مازاد مالیات؛ اجرای کامل ماده ۱۰ با وجود ظرفیت‌های قانونی و اختیاراتی مانند افزایش؛ درصد‌گرید و اپریال؛ عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی.

اتمام حجت کارگران گروه ملی فولاد اهواز

یک‌شنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۲

با سلام خدمت همکاران محترم

امروز با تمام وجود حاضر شدیم و نشان دادیم همیشه بیداریم و هوشیار و هیچ‌کس نمی‌تواند حق ما را ضایع کند. امروز برای هزارمین بار با حضورمان نشان دادیم که کارگر همان‌طور که به فکر تولید و کارخانه می‌باشد به همان نسبت دنبال حق و حقوق قانونی خود می‌باشد. امروز تمام تلاش‌مان این بود که یک جواب مشخص و در خور شخصیت پرسنل گروه ملی بزرگ بگیریم که دیگر نیازی به تجمع نداشته باشیم ولی متأسفانه بازهم نه تنها جواب قانع‌کننده‌ای نگرفتیم بلکه توهین بزرگ‌تری به ما کارگران شد که تالار اجتماعات را از ما دریغ کردند و مثل همیشه موکول شدیم به روزهای بعد و تا چه زمانی می‌خواهند با همین ترفندها حقوق خانواده‌مان را به تاخیر بیاورند. این خساست و حقارت نفس را از کجا به ارث برده‌اید که این‌گونه بخود حق می‌دهید که به حقوق انسان‌ها تجاوز و تعدی کنید و راحت پا روی حلقوم نان مردم بگذارید و راحت به شعور کارگر توهین کنید. به روابط عمومی هم یادآوری کنیم که اولاً شما روابط عمومی شرکت گروه ملی هستید نه روابط عمومی علی محمدی و در ثانی یکی از وظائف شما تکمیل پرسنل است که با بی‌احترامی که امروز نسبت به همکاران داشتید ثابت کردید که روابط عمومی نه یک سازمان بلکه شخصی خاص هستید. به این ارزشی بودن و کنار کارگر بودن‌تون هم تبریک می‌گوییم. حرف آخر؛

همکاران عزیز و بزرگوار در این برهه از زمان و تصمیم ساز که زندگی همه ما و معیشت مان و ایضا آیندگان را تعیین می کند یک قدم هم به عقب برمی گردیم و برسر حق مان با هیچکس تعارف نمی کنیم و هرچه زودتر باید تکلیف این حق قانونی معین و در حساب مان واریز شود.

و بدون شک اگر تا زمان محدود جواب مشخصی نگرفتیم خیابان انتخاب مان خواهد بود.

کارگران گروه ملی فولاد

یکشنبه بیست و ششم آذر ۱۴۰۲

اعتراض بازنشستگان

بازنشستگان خیابان را ترک نمی کنند و پیگیرانه طی ماه های گذشته، چندین روز هفته را با راهپیمایی و برپایی تجمعات به صورت سراسری به اعتراضات خود ادامه می دهند. امروز نیز بازنشستگان بار دیگر در شهرهای تهران، اهواز، اصفهان، کرمانشان، شوش و ... به اعتراضات خود تداوم بخشیدند. این اعتراضات در برخی از شهرها از جمله در اهواز با راهپیمایی همراه بود.

«شرکت پردرآمد، چه برسر تو آمد»، «رزمندگان دیروز، گرسنگان امروز»، «وعده وعید قشنگ بود، ولی همهش دروغ بود»، «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه»، «تا حق خود نگیریم، آروم نمی نشینیم»، «رسانه داخلی، انعکاس انعکاس»، «مجلس انقلابی، حمایت حمایت»، و «صدای سیما کجایی، به داد ما بیایی» و «اجرای آیین نامه، حق مسلم ما است» از جمله شعارهای معترضان در تجمع امروز بازنشستگان مخابرات بود.

تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان پیگیر کشوری کرمانشاه با مشارکت و همراهی بازنشستگان تامین و سایر صندوقها، در زیر باران اما استوار و پرشور در یکشنبه نیز برگزار گردید. بازنشستگان با خواندن قطعنامه پایانی هم چنان از خواستها و حقوق مسلم خود دفاع نمودند. در انتهای خبر متن کامل این قطعنامه آمده است.

بازنشستگان فولادی تهران مقابل وزارت کار، فریاد می زدند: بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن! تجمع خود را برگزار کردند. حضور امروز پولاد زنان و پولاد مردان بازنشسته فولادی در اعتراضات سراسری علیه فقر و فساد و دروغ گویی چشم گیر بود. تجمع اعتراضی بازنشستگان فولاد اصفهان در خیابان نشاط همزمان با تجمع اعتراضی با سایر بازنشستگان فولاد در سایر شهرها برگزار شد.

هم چنین روز یکشنبه، بر اساس گزارشات و ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی برخی از بازاریان از جمله طلافروشان در چند شهر از جمله در تهران، قم، ملایر، مشهد، تبریز، اصفهان، همدان و ... برای دومین روز پیاپی، در اعتراض به افزایش سنگین مالیاتها دست به اعتصاب زده و مغازه های خود را بسته اند.

بازنشستگان، ضمن اشاره به تبعض های ناروا در حق تمامی بازنشستگان، بواسطه اختلاس و سیاست های غلط اقتصادی دولت و مدیران بی کفایت، آن را به چالش کشیده و از عدم برنامه داشتن سازمان به اصطلاح برنامه و بودجه که هیچ برنامه خاصی برای قشر بازنشسته ندارد انتقاد کرده و آن را ناشی از سوءمدیریت دولت و اشغال مناصب بی ربط با مدرک و دانش آنان و رانت و اختلاس دانسته که موجب شده است جامعه بازنشسته از دو محور اصلی زندگی یعنی درمان کارآمد و رایگان و حقوق برابر با سبد معیشت و نرخ تورم که دولتها به آن کاملاً بی اعتنا بوده و هر روز بدتر از قبل می شود، فاصله بگیرند.

بازنشستگان معترض، عدم توجه دولت به خواسته آنان را به مثابه کشتار جمعی تلقی کرده و خواستار آن شدند که کنترل ثروت و سرمایه جامعه به دست مردم بیفتد که قادرند به بهترین شیوه آنرا مدیریت و توزیع نمایند.

هم چنین بازنشستگان اعلام کردند تا تحقق خواسته های خود در هر شرایطی خیابان جولانگاه آنان خواهد بود و ذره ای عقب نشینی نخواهند

آنان با شعارهای:

یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل می شه

دشمن ما همین جاست دروغ می گن آمریکاست

معلم زندانی آزاد باید گردد

کارگر زندانی آزاد باید گردد

...

صدای و سیما کجاست فریاد ما بی صداست و هم چنین فقط کف خیابان بدست می آید حق مان و دیگر شعارهای مطالباتی هم صدای و پرشور، درد مشترک این جامعه را در کف خیابانهای سرد کرمانشاه فریاد می زدند.

سخنران های امروز کرمانشاه ضمن انتقاد شدید از وضعیت فلاکتبار موجود در جامعه و چالش های ایجاد شده برای جامعه بازنشستگان تاکید کردند که ما در انتخابات آتی به هیچ وجه شرکت نخواهیم کرد چون هم دولت و هم مجلس در یک اتحاد نامیمون در مقابل مطالبات مردم ایستاده اند و با وجود تورم های سرسام آور موجود که عاملش سیاست های سودجویانه دولت و مجلس است، جلوی افزایش حقوق و مستمری ها را به بهانه واهی «تورم زایی» گرفته اند.

بازنشستگان افزایش حقوق ۱۸ و ۲۰ درصدی برای سال آینده که توسط دولت پیشنهاد شده است را به منزله به سخره گرفتن بازنشستگان تلقی کرده و فقط خواستار افزایش حقوق مطابق سبد واقعی معیشت و نرخ واقعی تورم می باشند و ذره ای از این مطالبات برحق خود کوتاه نخواهند آمد.

روز یکشنبه ۳۰ مهرماه نیز جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل ساختمان ادارات تأمین اجتماعی شهرهای اراک، کرمانشاه، اهواز، دزفول و شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بازنشستگان معترض خواستار افزایش رقم مستمری ماهانه، برخورداری از درمان رایگان و خدمات رفاهی مکفی و اجرای باقیمانده همسان سازی حقوق و پرداخت معوقه‌ی آن از سال ۹۹ تاکنون هستند.

اجرای باقی مانده همسان سازی حقوق و پرداخت معوقه آن از سال ۹۹ تاکنون، از دیگر حقوق بازنشستگان معترض است. بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی ماه‌هاست که هر یکشنبه تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف برگزار می‌کنند اما هم‌چنان مقامات دولتی و مقامات سازمان تأمین اجتماعی به خواسته‌های آن‌ها بی‌اعتنا هستند.

در ادامه تجمعات اعتراضی روز گذشته، شماری از بازنشستگان فولاد در اهواز، تهران، رودبار و اصفهان، گروهی از کارکنان شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری مقابل ساختمان مدیریت این شرکت با برگزاری تجمعات اعتراضی خواستار رسیدگی به حقوق خود شدند.

روز یکشنبه ۳۰ مهرماه نیز جمعی از کارگران شرکت «تولی پرس» قزوین از عدم پرداخت حق بیمه و خواست‌های مزدی چهار ماهه خود خبر دادند.

خبرگزاری «ایلنا» به نقل از یکی از کارگران «تولی پرس» نوشته که «با وجود سابقه چندین ساله حقوق کافر ساده را دریافت می‌کنیم و در نیمه اول سال که ماه‌ها سی و یک روز دارد حقوق ما را بر مبنای سی روز حقوق را محاسبه می‌کنند. هم‌چنین ما سرویس رفت و برگشت و غذا هم نداریم.»

کارگران معترض می‌گویند «هفت ماه حق بیمه معوقه و چهار ماه حقوق پرداخت نشده دارند» و «با وجود قطعی آب و برق و گاز در مجموعه برای رفع نیازهای خود در شرکت، آتش روشن می‌کنیم و این کار با توجه به وجود مواد شیمیایی می‌تواند خطرآفرین باشد.» در این گزارش آمده که از ۱۲۰۰ کارگری که در این مجموعه مشغول به کار بوده اند تنها ۱۳۷ نفر باقی مانده و در شرکت بسته‌بندی البرز که با این مجموع کار می‌کند از تعداد ۱۵۰ کارگر تنها ۱۲ نفر باقی مانده است.



تجمع اعتراضی درمانگران اعتیاد در مقابل وزارت بهداشت - دوشنبه اول آبان ۱۴۰۲

صدها نفر از درمانگران اعتیاد هم روز دوشنبه یکم آبان در اعتراض به عملکرد وزارت بهداشت، از شهرهای مختلف به پایتخت آمده و در مقابل ساختمان این وزارتخانه در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

خبرگزاری «مهر»، گزارش داده داده که بیش از ۱۲۰۰ نفر از درمانگران اعتیاد، روز دوشنبه اول آبان با تجمع در مقابل ساختمان وزارت بهداشت، از اینکه مسئولان وزارتخانه نسبت به توافقات حاصل شده بی‌اعتنا هستند تجمع کردند.

مهر، گزارش داده که این تجمع در ارتباط با تلاش‌های وزارت بهداشت برای تعطیلی مراکز سوءمصرف اعتیاد و واگذاری آن به داروخانه‌ها صورت گرفته است.

در همین رابطه، فرهاد گشتاسبی رئیس هیات مدیره صنف درمانگران اعتیاد تهران با انتقاد از عملکرد وزارت بهداشت نسبت به درمانگران اعتیاد، معتقد است که رفتار وزارت بهداشت با مراکز درمان اعتیاد، باعث شده تا گیرندگان خدمات آسیب ببینند.

به گفته این درمانگر اعتیاد، تجمع امروز دلایل متعددی دارد به طوری که پس از یک مسیر طولانی از مذاکرات، تعاملات و هم‌فکری‌ها و هم‌چنین، مراجعات مکرر به ستاد مبارزه با مواد مخدر و وزارت بهداشت، و البته نتایج مثبتی که بعضاً حاصل شده بود ولی در اجرا توسط وزارت بهداشت رعایت نگردید، شکل گرفت.

محمدرضا جلالی عضو هیئت مدیره کانون درمانگران اعتیاد نیز که در این تجمع حضور داشته به «مهر» گفته که وزارت بهداشت به عنوان یکی از متولیان و ناظران بر فعالیت درمانگران اعتیاد، وظیفه اصلی اش گسترش توانمندی‌های مراکز درمانی و اصلاح اشکالات و تسهیل اموری است که منجر به ارائه خدمت با سطح بالاتر می‌شود. اما در عمل چیز دیگری می‌بینیم.

این درمانگر اعتیاد افزوده که «وزارت بهداشت چشم خودش را بر روی بعضی حقایق بسته و مدعی است طرح جامع کشوری در راستای گسترش کسب و کار را اجرا می‌کند، در حالی که استدلال‌ها و استانداردهایی برای مبارزه با مواد مخدر وجود دارد که بر اساس جمعیت، نوع دسترسی‌ها و میزان دارویی که از طریق سازمان‌های بین المللی تایید شده تا به نتیجه نهایی برسد؛ این فعالیت شکل می‌گیرد.»

تجمع کنندگان با «شبهه‌دار» خواندن رفتار وزارت بهداشت در قبال مراکز ترک اعتیاد، معتقدند بیش از ۶۵ تا ۷۰ درصد درآمد‌های یک مرکز صرفه هزینه‌های دارویی و مشاوره می‌شود و اگر این ابزار از طریق افزایش مراکز محدود شود، گیرندگان خدمات آسیب خواهند دید.

به گفته یکی دیگر از افراد حاضر در تجمع، مهم‌ترین دستاورد این مراکز، کاهش آسیب‌ها بوده و اگر قرار باشد بدون قاعده و ضابطه نسبت به افزایش مراکز اقدام کرد، دچار مشکل خواهیم شد.

با اختلاس «چای دبش» حقوق بازنشستگان چه قدر زیاد می‌شد؟

برای متناسب‌سازی در یک صندوق در یک سال، ۹ هزار میلیارد تومان نیاز است و حالا بیش از ۱۵ برابر این پول (۱۴۰ هزار میلیارد تومان) در پرونده اختلاس ارزی چای دبش به یغما رفته است یعنی بودجه‌ای برای ۱۵ بار اجرای متناسب‌سازی در یک صندوق بازنشستگی.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «داغی چای دبش جگر ما را سوزاند»؛ این نوشته یکی از پلاکاردهای بازنشستگان است که در روزهای گذشته، وقتی به نشانه‌ی اعتراض به وضعیت بد معیشتی مقابل سازمان تامین اجتماعی جمع شده بودند، بالا گرفتند.

یکی از بازنشستگان اهوازی که چند ماه است بدون وقفه پیگیر بهبود وضع معیشتی خود و کارگران بازنشسته‌ی هم‌ردیف خود است؛ می‌گوید: «وقتی نامه می‌نویسیم و امضاء جمع می‌کنیم و برای وزیر کار و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی می‌فرستیم، جواب می‌دهند ببخشید پول نداریم، سازمان کفگیرش به ته دیگ خورده؛ وقتی مقامات می‌آیند در رسانه‌ها صحبت می‌کنند ادعا می‌کنند تامین اجتماعی بودجه‌ای برای متناسب‌سازی و افزایش حقوق مطابق قانون ندارد و اگر دولت اعتبار ندهد، متناسب‌سازی در سال آینده اجرا نمی‌شود، دولت هم همواره از کسری بودجه و نبودن پول می‌گوید...»

او بلافاصله اضافه می‌کند: «ما ماه‌هاست که این حرف‌ها را شنیده‌ایم؛ اما از آن سو، پرونده چای دبش و اختلاس ۳/۴ میلیارد دلاری پیش چشم‌مان اتفاق افتاده است؛ آیا واقعا پول نیست یا برای بازنشسته‌ای که سی سال جوانی و عمر خود را پای تولید و سازندگی گذاشته و امروز رنجور و ناتوان مقابل تامین اجتماعی می‌ایستد، پول نیست؟»

در روزهای گذشته رقم‌های عجیبی از اختلاس ارزی چای دبش منتشر شد: ۳/۴ میلیارد دلار اختلاس ارزی؛ این رقم آن‌چنان بزرگ است که کم‌تر کسی می‌تواند صفرهای آن را به ریال یا حتی به تومان بشمارد! گروه صنعتی چای دبش حدود ۳/۴ میلیارد دلار برای واردات و بسته‌بندی چای گرفته بود اما این پول خیلی ساده حیف و میل شده است؛ رقم ریالی فساد رخ داده چیزی حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان است که از نظر ریالی در تاریخ اقتصاد ایران سابقه نداشته است.

رسانه‌ها گزارش‌های متعددی نوشتند که با رقم فساد سه میلیارد و چهارصد میلیون دلاری چه کارها می‌شود کرد و در دنیا با این پول‌ها چه می‌کنند: ساخت کارخانه مونتاژ بوئینگ، ۳/۵ میلیارد دلار هزینه دارد؛ ساخت برج ساعت مکه ۳/۵ میلیارد دلار هزینه دارد و ساخت ۳ پتروشیمی ۱/۲ میلیارد دلار هزینه دارد، یعنی با اختلاس چای دبش می‌شود ۸ یا ۹ پتروشیمی جدید ساخت!

رقم ریالی فساد رخ داده چیزی حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان است و اعتبار مورد نیاز برای رفع آلودگی هوا و قانون هوای پاک در یک سال ۸۴۰ میلیارد تومان اعلام شده است. یعنی با این پول می‌شد آلودگی هوا را برطرف کرد و ریه‌های دردمند مردم کلانشهرها را از اینهمه بیماری و مصیبت نجات داد.

یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش سال گذشته در گردهمایی مشترک سه وزارتخانه آموزش و پرورش، کشور و راه و شهرسازی گفته بود برای بازسازی و مقاوم‌سازی مدارس فرسوده ایران به بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است؛ نوری هم‌چنین گفته بود هشت استان سرانه‌ای کمتر از میانگین کشور دارند که ۱۳۶ هزار میلیارد تومان برآورد اعتبارات مورد نیاز برای رساندن آنها به متوسط کشوری نیاز است.

بنابراین با این پول می‌شد کل مدارس فرسوده‌ی کشور را بازسازی و مقاوم‌سازی کرد؛ در عین حال امکان این بود که سرانه آموزشی استان‌های محروم از سیستان و بلوچستان گرفته تا ایلام را به میزان استاندارد و متوسط کشوری رساند.

اما یک قیاس ساده‌تر که به زندگی مزدبگیران مربوط است، به این شیوه تعریف می‌شود: با ۱۴۰ هزار میلیارد تومانی که به چای دبش مثلا برای واردات چای دادند، چه قدر حقوق بازنشستگان کارگری افزایش می‌یافت؛ با این پول چه قدر می‌شد به ۱۴ میلیون کارگر کشور بُن و یارانه داد و یا وضعیت بحرانی تامین اجتماعی تا کجا امکان بهبود داشت تا نیازی به افزایش سن و سابقه بازنشستگی کارگران شاغل نباشد؟ دولت در سال جاری قرار بوده ۸۰ هزار میلیارد یا به قولی ۷۸ هزار میلیارد تومان از بدهی خود به تامین اجتماعی را بپردازد که البته در روزهای پایانی نهمین ماه سال هستیم و هنوز خبری از این پرداخت نیست؛ ۱۴۰ هزار میلیارد تومان دو برابر پرداخت وعده داده شده به

سازمان تامین اجتماعی در یک سال است! وقتی در نظر بگیریم کل بدهی دولت به سازمان حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان است باز هم متوجه می‌شویم که ۱۴۰ هزار میلیارد تومان رقم بسیار هنگفتی است.

اجرای متناسب‌سازی ۱۴۰۰ در صندوق تامین اجتماعی کم‌تر از ۱۵ هزار میلیارد تومان هزینه داشت؛ حالا با ۱۴۰ هزار میلیارد تومان - تقریباً ده برابر هزینه متناسب‌سازی - حقوق بازنشستگان کارگری چه قدر افزایش می‌یافت؟

مروتی بازنشسته کارگری در این رابطه می‌گوید: «اگر این پول را صرف بازنشستگی می‌کردند که ماه‌هاست در انتظار بهبود معیشت و حق قانونی و حداقلی خود هستند، بدون تردید حقوق بازنشستگان به خط فقر نزدیک می‌شد. فرض کنید این پول را صرف دیون دولت به تامین اجتماعی می‌کردند، هم حقوق بازنشستگان به خط فقر نزدیک می‌شد و هم لایه پولی زیاد می‌آمد تا برای بهبود درمان بازنشستگان هزینه شود؛ به راستی چند درمانگاه و مرکز درمانی ملکی با این پول می‌شد ساخت؟»

این پول صرف بازنشستگان نشد، صرف مزدبگیران شاغل هم نشد، به صورت اختلاس ارزی برباد رفت! علی‌حدایی عضو کارگری شورایی عالی کار با بیان این که دولت به بهانه نداشتن پول و کسری بودجه، افزایش حقوق‌ها در قانون بودجه را نصف تورم رسمی یا حتی پایین‌تر در نظر می‌گیرد؛ در این رابطه گفت: «از یک سو اختلاس ۳/۴ میلیارد دلاری اتفاق می‌افتد و از سوی دیگر دولت می‌گوید پول نیست و مردم باید ریاضت بکشند؛ دولت با همان ارقام ناچیز بودجه به نشست‌های شورایی عالی کار می‌آید و مقابل افزایش قانونی دستمزد کارگران ایستادگی می‌کند؛ اگر پول نیست، این ارقام کلان اختلاس از کجا می‌آید؟ حالا که به زعم خودشان درآمدهای سرشار نفتی هم نداریم!»

یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل می‌شه...

۳۱ تیرماه سال جاری، مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری گفت: «در صورتی که مبلغ ۹ هزار میلیارد تومان تعیین شده برای موضوع متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان کشوری نقد شود، مساله متناسب‌سازی و مطالبه ۶ ماهه دوم سال ۱۳۹۹ برای یک میلیون و ۴۶۰ هزار نفر پرداخت خواهد شد». برای متناسب‌سازی در یک صندوق در یک سال، ۹ هزار میلیارد تومان نیاز است و حالا بیش از ۱۵ برابر این پول (۱۴۰ هزار میلیارد تومان) در پرونده اختلاس ارزی چای دپش به یغما رفته است یعنی بودجه‌ای برای ۱۵ بار اجرای متناسب‌سازی در یک صندوق بازنشستگی؛ این معادلات را که کنار هم می‌چینیم به همان شعار بازنشستگان در اعتراضات صنفی می‌رسیم: «یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل می‌شه...»

تجربیات فعالیت‌های کارگری گروه ملی فولاد در زمستان اهواز

نام گروه ملی فولاد ایران (اهواز) در سال‌های اخیر بارها شنیده شده است. کارگرانی که دستمزدهای معوقه آن‌ها در کم‌تر از ۳ سال پیش تیرا اخبار و رسانه‌ها شد. در خبرها مشخص شد که مشکلات تولید در شرکت چندین کارگر را به اعتراض واداشته است. اما در همان روزها در عمل کارگران بسیار آموخته و روایات و خاطرات مهمی از مطالبه‌گری در آن دوران دارند. کارگران این واحد صنعتی، اذعان دارند که هم‌فکری منظم آن‌ها بوده که موجب شده دوباره شرکت به مدار تولید بازگردد و دستمزدها به کارگران پرداخت شود.

به گفته فعالین کارگری این واحد صنعتی، بعد از اختلاس ۳ هزار میلیاردی مه‌آفرید امیرخسروی، کارفرمای شرکت گروه ملی فولاد ایران این کارخانه عملاً رو به سرزیری و افول رفت. بخشی از هزینه‌های شرکت توسط بانک و بخشی هم توسط دادگاه متوقف شد. این مسله موجب شد تا ورود مواد اولیه به شرکت روز به روز کم‌تر شود که این مساوی با کاهش تولید شد که منجر به فرسودگی قطعات می‌شد. به هر حال برخی از قطعات باید همیشه در چرخه تولید باشند. تا این که مجموعه این شرایط باعث عقب‌افتادن حقوق‌ها شد. کارگران دست به کار شدند و در سال ۹۵ درهای شرکت را بستند تا اجازه ندهند مدیرانی که مسبب اوضاع بودند، به شرکت ورود کنند. چراکه آن‌ها را مسئول این اتفاقات می‌دانستند. به هر حال مدیران باید به کارگران بابت اوضاع و احوال شرکت پاسخگو می‌شدند.

این شرایط و مشکلات معیشتی کارگران در آن دوره موجب شد تا بحث تشکلهای کارگری، اعتراضات و پیگیری مطالبات بین کارگران داغ شود. در ابتدا ۲۰ تا ۲۵ روز درهای شرکت بسته شد و مطالبه‌گری‌ها ادامه داشت و همین امر موجب شد تا بخشی از دستمزد عقب افتاده کارگران پرداخت شود. پرسنل به علت شرایط بد معیشتی کوتاه آمدند و قبول کردند تا با همان پرداخت حقوق‌ها در چرخه تولید مشارکت کنند. اما از آن‌جا که با عدم ورود مواد اولیه به کارخانه رو به رو بودیم، بیش‌تر خطوط تولید تعطیل بودند و هر سه تا چهار ماه اعتراضات کارگری در گروه ملی فولاد ایران (اهواز) فعال می‌شد که در این زمان همگی در داخل محوطه شرکت اتفاق می‌افتاد.

در آن دوران زمانی پیش می‌آمد که ۴ تا ۵ ماه حقوق عقب افتاده داشتیم و این موجب مشکلات خانوادگی و معیشتی برای کارگران شده بود. با فشار آوردن به مدیران شرکت سعی می‌کردیم آن‌ها را مجبور کنیم تا دستمزد معوقمان را پرداخت کنند. در بحبوحه این اعتراضات در بین کارگران این مسئله مطرح شد که ما باید به فکر احیای شرکت باشیم و برای رسیدن به هدف تشکل ایجاد کنیم. تا زمانی که تولیدی در کار نباشد، نمی‌توانیم حقوق بگیریم. سازمان‌ها و ارگان‌ها در طی این اعتراضات چند وقت یکبار حقوق قطره‌چکانی به حساب کارگران واریز می‌کردند که واقعاً جوابگوی مشکلات ما هم نبود. باز هم خیلی وقت‌ها کارگران به اعتراضات خاتمه می‌دادند، اما چند وقت بعد که دوباره جیب کارگر خالی می‌شد، اعتراضات کارگری هم از سر گرفته می‌شد و این شرایط هم‌چنان ادامه داشت.

در این بین کارگران، مبارزه کارگران گروه ملی فولاد از مرحله مطالبه حقوق فراتر رفته و خواستار احیای شرکت شدند. شعار نه به خصوصی سازی و سپردن شرکت به دولت در آن زمان مطرح شد. در همان هم فکری ها به این نتیجه رسیدیم. حتی گفتیم حاضریم از مسئله حقوق ها کوتاه بیاییم، اما باید وضعیت شرکت سر و سامان بگیرد. در اعتراضات سال ۹۶ که مقابل بانک ملی شکل گرفت و اعتراضات زمستان سال ۹۷ که حدود ۳۴ روزه بود، کارگران برای مطالبه گری ایستادگی کردند. این مسئله که کارگران باید هم فکری کنند، همیشه مدنظر فعالین کارگری بوده است و هم چنان داشتن تشکل کارگری برای کارگران خیلی مهم است.



تجمعات بخش های مختلف کارگری و مطالبات آن ها

مروری بر مهم ترین کنش های کارگری برگزار شده در ماه های اخیر، نشان می دهد که با وجود شروع تابستان و گرمای کم سابقه در شهرهای مختلف ایران، تجمعات و اعتراضات کارگری در یک ماه گذشته بدون توقف ادامه یافته است. این اعتراضات گاه در قالب تجمعات کارگران یک واحد صنفی یا کارخانه و گاه در قالب تجمعات گروه های صنفی و به صورت سراسری برگزار شده است. این در حالی است که گروه های مختلفی از بازنشستگان از جمله بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان مخابرات، بازنشستگان کشوری، بازنشستگان گروه فولاد و بازنشستگان مس در نتیجه بی توجهی به مطالبات خود، هم چنان بیشترین اعتراضات خیابانی را برگزار می کنند. مهم ترین مطالبات آنان عبارتند از:

- * اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوق چند ماهه
 - * اعتراض به سطح پایین حقوق و مزایا و عدم ترمیم دستمزد مصوب سال ۱۴۰۲ مطابق با نرخ تورم
 - * اعتراض به عدم اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان، عدم ترمیم مستمری مطابق با تورم و عدم اجرای تعهدات درمانی توسط دولت
 - * اعتراض به عدم اجرای قوانین، مقررات و آئین نامه های حمایتی (مورد عدم اجرای آئین نامه ۸۹ در خصوص لزوم تعهد شرکت مخابرات در قبال پرداخت تمامی مزایای رفاهی و استخدامی حتی پس از واگذاری)
 - * اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل (مورد کارگران رسمی نیشکر هفت تپه)
 - * اعتراض به واگذاری برخی صندوق بازنشستگی (مورد واگذاری صندوق بازنشستگان مس به وزارت رفاه)
 - * اعتراض به اخراج نیروی کار موقت (مورد پرستاران ۸۹ روزه)
 - * اعتراض به تصویب نشدن طرح حذف نیروهای پیمان کاری
 - * اعتراض به جذب نیروهای غیربومی
 - * اعتراض به تعطیلی پروژه و بیکاری کارگران (مورد پتروشیمی دهلران)
 - * اعتراض به وضعیت ایمنی و کار و کشته و مصدوم شدن کارگران (مورد فولاد گیلان)
 - * آزادی فعالان صنفی معلمان با راه اندازی کارزار صد هزار امضایی
- این تجمعات که عمدتاً در مقابل سازمان های تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، وزارت ارتباطات و ادارات مخابرات، کانون بازنشستگی، فرمانداری ها و استانداری ها، دانشگاه علوم پزشکی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان امور استخدامی کشور و یا در محوطه کارخانه ها و حوزه فعالیت معترضان برگزار شده، با وجود پراکندگی در دست کم ۳۰ شهر کشور، جز در موارد اندکی از سطح مشارکت بالایی برخوردار نبوده است.

این امر بویژه با وجود استمرار تجمعات برگزار شده از سوی گروه هایی چون بازنشستگان تامین اجتماعی و مخابرات که در ماه های اخیر تقریباً به صورت هفتگی تجمعاتی را برگزار می کنند، قابل تأمل و آسیب شناسی است. با این حال برگزاری تجمعاتی چون تجمع صنفی

کارگران ارکان ثالث در مقابل نهاد ریاست جمهوری در تهران با مطالبه تصویب طرح حذف شرکت‌های تامین نیروی انسانی که دو سال است تحت عنوان «طرح ساماندهی کارکنان دولت» در مجلس در دست بررسی است، با مشارکت دست کم ۴۰۰ تا ۶۰۰ کارگر معترض ارکان ثالث همراه شد.

واکنش‌ها به اعتراضات

با وجود برگزاری تجمعات اعتراضی، واکنش کارفرمایان و دولت به مطالبات خرد و کلان گروه‌های کارگری، عمدتاً با بی‌توجهی همراه بوده است.

در نتیجه استمرار کارزارهای اعتراض آمیز در جهت حذف مفاد ضدکارگری لایحه برنامه هفتم توسعه در خصوص افزایش سن بازنشستگی و تغییر در مبنای محاسبه مستمری از سه سال به ۵ سال، این بندها فعلاً در مجلس و از سوی کمیسیون تلفیق برنامه هفتم رد شده است.

کارگران معترض این شرکت در تجمع امروز خود، شعارهایی چون: «ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد، می‌جنگیم می‌جنگیم»، «گفته بودیم می‌آییم، این آغاز راه است» سر داده‌اند.

هر رویداد یا اعتراض کارگران به وضعیت کنونی، منتج از مجموعه درهم تنیده تبعیض، استثمار و ستم و سرکوب است که با تحمیل بی‌حقوقی و فقر کمرشکن، جامعه را به مرز فلاکت سوق می‌دهد. اعتراض به شرایط موجود، در جایی که حاکمان تمام معیارهای حقوقی، اخلاقی و انسانی را زیر پا گذاشته‌اند، تلاش برای درهم شکستن سرکوب و بهره‌کشی است.

کارکنان شرکتی دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر در اعتراض به چهار ماه تعویق حقوق اعتصاب چند روزه‌ای را سازمان دادند. اعتصاب‌کنندگان در بیمارستان‌های خاتم و ایران ایرانشهر و نیز شهرستان‌های چابهار، کنارک، سریاز، راسک، فنوج به کار اشتغال دارند و چهار ماه است حقوق و حق بیمه‌شان پرداخت نشده است.

رئیس کل سازمان نظام پرستاری: بالغ بر ده هزار نفر از ناب‌ترین پرستاران ایران مهاجرت کرده‌اند. محمد میرزایی گفت که «رفتار مسئولان» باعث شده است که «بالغ بر ده هزار نفر از ناب‌ترین پرستاران ما ترک شغل و مهاجرت از کشور را پیش بگیرند. رئیس سازمان نظام پرستاری ایران پیش‌تر هشدار داده بود که «روزانه پنج تا شش پرستار و ماهانه بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ پرستار از کشور مهاجرت می‌کنند.

مجتمع عظیم فولاد مبارکه

مجتمع عظیم فولاد مبارکه به‌عنوان بزرگ‌ترین مجتمع تولید فولاد در کشور و موتور محرکه دست کم ۳ هزار کارخانه و شرکت در کشور است. این شرکت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برای ۳۵۰ هزار نفر شغل ایجاد کرده است.

درآمد عملیاتی گروه در سال گذشته حدود ۱۸۴ هزار میلیارد تومان (معادل ۱۴ درصد بودجه کشور) بوده است. این شرکت از سال ۱۳۹۷ با مشکلات بسیاری مواجه شده که علت اصلی آن در سوءمدیریت، به‌کارگیری مدیران بازنشسته و تباری پشت پرده و فسادهای احتمالی در انعقاد قراردادهای نادیده گرفتن منافع مجتمع و سهام‌داران بورسی آن است که تخلفات متعددی را در این مجتمع صنعتی رقم زده است. گزارش حاضر بخشی از نتایج گزارش ۳۰۰ صفحه‌ای تحقیق و تفحص از این گروه اقتصادی است. طبق گزارش تحقیق و تفحص، رقم تخلفات ۹۱ هزار و ۸۷۳ میلیارد تومان است.

تخلف ۵۷ هزار میلیارد تومانی در تولید و فروش

یکی از بخش‌های مهم تخلفات فولاد مبارکه، بخش مربوط به تولید و فروش محصولات است. ارزش ریالی تخلفات در این حوزه ۵۷ هزار و ۷۶۹ میلیارد تومان برآورد شده است. بخش عمده تخلفات این حوزه مربوط به تفاوت حاصل از تفاوت مابین قیمت فروش فولاد مبارکه اصفهان با بازار است. در این بخش نزدیک به ۵۴ هزار میلیارد تومان تخلف برآورد شده است. ایجاد رانت نزدیک به سه‌هزار میلیارد تومانی از دیگر بخش‌های تخلفات این حوزه است.

در این بخش به خلاصه‌ای از فرآیندهای منجر به اخلاف در نظام اقتصادی در فروش محصولات اشاره می‌شود. برخی از این تخلفات عبارتند از:

- ۱- عدم رعایت بند (۴) دستورالعمل پذیرش مشتری و روش قیمت‌گذاری و تعیین نرخ خدمات و انبارداری مراکز خدماتی فولاد مبارکه مبنی بر تعیین سهمیه براساس سامانه بهین‌یاب
- ۲- عدم رعایت بند (۴) دستورالعمل پذیرش مشتری و روش قیمت‌گذاری مبنی بر عدم تعیین میزان سهمیه مشتری و عدم کنترل خرید از طریق بورس کالا، توسط واحد فروش مراکز خدماتی
- ۳- عدم رعایت بند (۳-۵) دستورالعمل پذیرش مشتری و روش قیمت‌گذاری مبنی بر اینکه حداکثر میزان مجاز فروش محصول به مشتریان مراکز خدماتی (۱۱۰) تن محصول گرم و (۵۰) تن محصول سرد تعیین شده است.
- ۴- عدم رعایت بند (۴) دستورالعمل پذیرش مشتری و روش قیمت‌گذاری مبنی بر این‌که مراکز خدماتی با رعایت اصول، ملزم به تامین نیاز تولیدکنندگان نهایی و صنایع مصرف‌کننده ورق فولادی هستند.

- ۵- عدم رعایت سهمیه بندی محصولات فولاد مبارکه به واحدهای تولیدی و همچنین تخصیص محصولات به شرکت های بازرگانی و دلالتان
- ۶- روند افزایشی تحویل اسلب از سال ۱۳۹۶ به شرکت های بازرگانی و عدم عرضه در بورس کالا
- ۷- اختصاص محصولات کیفیت ویژه به شرکت های بازرگانی با مراکز خدماتی خاص و بیشترین تفاوت قیمت با بازار و ایجاد حداکثر سود برای خریداران
- ۸- عدم وجود مکانیسم کنترل مناسب از سوی شرکت فولاد مبارکه، عدم برآورد دقیق مقدار محصول مورد نیاز هر یک از مشتریان و فروش مازاد بر نیاز واقعی و ایجاد فضای دلالتی
- ۹- توسعه فضای دلالتی و تبدیل کردن کارخانه های تولیدی به حق العمل کار طی سنوات اخیر
- ۱۰- فروش محصولات شرکت ورق خودرو با قیمت پایین تر و بدون ملاحظه منافع فولاد مبارکه
- ۱۱- فروش محصولات فولادی به شرکت های ایران خودرو و سایپا مازاد بر نیاز و عدم تناسب با تولید خودرو

تقدیم رانت به سایپا و ایران خودرو

در بخشی از گزارش تحقیق و تفحص آمده است یکی از تخلفات فولاد مبارکه، فروش محصولات فولادی به شرکت های ایران خودرو و سایپا مازاد بر نیاز و عدم تناسب با تولید خودرو آن هم با قیمت پایین تر است که به موجب صورت های مالی حسابرسی شده شرکت های ایران خودرو و سایپا به علت مازاد بر نیاز ورق خریداری شده، این محصول مازاد را در بازار فروخته اند و تحت عنوان سود و زیان فروش مواد اولیه شناسایی شده است که بیانگر عدم کنترل دقیق میزان نیاز ایران خودرو و سایپا با میزان تولید خودرو توسط وزارت صمت یا عدم تطبیق فولاد مبارکه با سهمیه تعیین شده در سامانه بهین یاب است. هم چنین شرکت های فوق بدون توجه به میزان ورق مورد نیاز متناسب با خودروی تولیدی اقدام به خرید محصولات فولادی از شرکت فولاد مبارکه کرده اند.

تخلف ۲۶ هزار میلیارد تومانی در قراردادهای

طبق گزارش تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه، بررسی های صورت گرفته از نحوه انعقاد قرارداد و انتخاب اشخاص طرف قرارداد حاکی است عمده قراردادهای از طریق اخذ استعلام یا ترک تشریفات منعقد شده است، به عنوان نمونه از سال ۱۳۹۷ تا مهرماه ۱۴۰۰ مجموعاً ۱۵ هزار و ۵۵۰ فقره سفارش خرید در شرکت فولاد صورت پذیرفته که ۷۳ درصد از لحاظ قیمت به صورت ترک تشریفات انجام شده است.

عمده موارد نقص مشاهده در نحوه انعقاد قرارداد به شرح ادامه است: ۱- عدم رعایت قیمت مصوب وزارت صمت در خصوص قیمت مواد اولیه خریداری شده از شرکت های تولیدکننده، ۲- عدم رعایت الزامات قانونی مناقصه در خصوص انتخاب تامین کنندگان، ۳- بعضاً اعضای هیات مدیره شرکت به عنوان تصمیم گیر در انتخاب برنده مناقصه، استعلام و... عضو هیات مدیره شرکت های شرکت کننده در مناقصه و استعلام بها بوده که به عنوان برنده نیز انتخاب شده اند این امر امکان عدم شفافیت و عدم رقابتی بودن مناقصه را افزایش می دهد، ۴- بخش عمده ای از قراردادهای به صورت مذاکره و براساس پیشنهاد واحد درخواست کننده بدون حصول شرایط رقابتی و صرفاً با تصویب کمیسیون معاملات منعقد شده که این امر موجب رانت و عدم شفافیت در کشف قیمت می گردد. ۵- تعدادی از قراردادهای به پیشنهاد واحد درخواست کننده و با تصویب کمیسیون معاملات، بدون کشف قیمت رقابتی، تمدید شده است و ۷- مغایر با تبصره ۲ ماده ۱۰ آیین نامه معاملات شرکت، تعدادی از معاملات به اجزای کوچک تر تبدیل و اصطلاحاً شکسته شده است.

رقم تخلفات این بخش در مجموع ۲۶ هزار و ۶۴۱ میلیارد تومان برآورد شده که حدود پنج هزار و ۷۰ میلیارد تومان آن مربوط به قراردادهای ریالی و مابقی مربوط به قراردادهای ارزی (عمدتاً یورو) است، از جمله ارقام درشت این بخش، تخلف ۲۲۲ میلیون یورویی خرید الکتروود و عدم رعایت نرخ مصوب است. ۴۰۰ میلیون دلار مربوط به انعقاد قرارداد با شرکت چینی فاقد صلاحیت و عدم اجرای تعهدات ورود خسارت به دلیل عدم انعقاد قرارداد به صورت کامل است. نزدیک به ۳۱ میلیون دلار مربوط به انعقاد قرارداد گاززدایی و پرداخت مازاد غیر واقعی و ورود خسارت به دلیل انعقاد قرارداد به نرخ بالاتر است.

از تخلف ۷ هزار میلیاردی تا پروژۀ کردن بورس!

یکی از بخش های مهم تخلفات فولاد مبارکه؛ در حوزه مالی، اقتصادی و سرمایه گذاری است. مجموع تخلفات این بخش رقمی حدود هفت هزار و ۲۸۴ میلیارد تومان است. حدود ۳/۹ هزار میلیارد تومان از تخلفات این حوزه مربوط به عدم تعیین تکلیف و وصول وجوه حاصل از فروش صادراتی شرکت فولاد مبارکه نزد یکی از شرکت های تراستی است. سرمایه گذاری های غیر ضرور در بخش های غیر تولیدی، جذب و به کارگیری افراد غیر متخصص، خرید و فروش سهام برای شرکت فلز تدارک توسط شرکت های کارگزاری و سرمایه گذاری غیر ضرور در خرید زمین از شرکت سرمایه گذاری توکا تنها بخشی از تخلفات این حوزه است. در بخشی از گزارش تحقیق و تفحص به مورد عجیبی اشاره شده است. در این بخش به عملکرد پرابهام و ایجاد انتفاع شخصی جهت برخی افراد در شرکت توسعه توکا اشاره شده و آمده است: «اختلال در بازار سرمایه از طریق پروژۀ کردن و خرید و فروش سهام شرکت های کروی، فسرب، توکا ریل، آسیا سیر ارس، توکارنگ و...، به منظور کسب سودهای غیر متعارف از طریق دستکاری قیمت سهام، به این صورت که هاشمی، مدیرعامل این شرکت، سهام

شرکت‌های مذکور را برای برخی اشخاص خاص (به‌عنوان مثال مدیر حراست و معاون مالی و مدیر حوزه مدیرعامل فولاد مبارکه و چندین نفر دیگر از مدیران و منصوبان آن‌ها) به قصد کسب سود، با استفاده از اعتبارات شرکت خرید و فروش کرده است.»

قرارداد خرید و فروش سهام کروی که زیان سنگین ۴۰ میلیارد تومانی را به شرکت توسعه توکا در سال ۱۳۹۹ وارد آورده است. در این بخش هم هرچند مدیرعامل شرکت با قصد پروژه کردن سهام سعی داشته سودهای غیرمتعارفی کسب کند، ولی نتوانسته موفق عمل کند و درحال حاضر با مشکل مواجه شده است. عقد قرارداد با شرکت توکاریل جهت بازارگردانی سهام شرکت آسیا سیر ارس به مبلغ یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان و پرداخت این وجه به یک شخص جهت انجام عملیات بازارگردانی، خارج از رویه‌ها و دستورالعمل‌های سازمان بورس است.

پرداخت حقوق ماهیانه ۶۰ میلیونی برای مشاوران خیالی

یکی از بخش‌های تخلفات فولاد مبارکه، تخلفات مربوط به ارتباطات و نیروی انسانی است. به کارگیری مدیران غیرمرتبط و عدم توجه به نظام شایستگی لازم برای مشاغل، اولویت ملاحظات سیاسی و ترجیح ارتباطات شخصی، پرداخت‌های غیرمتعارف، دور زدن فرآیندهای قانونی استخدام و... از جمله موارد سوءمدیریت در این حوزه است. طبق گزارش تحقیق و تفحص، مدیرعامل فولاد مبارکه (حمیدرضا عظیمیان) مبتنی بر اظهارنظر صریح دستگاه‌های مسئول نظارتی بازنشسته بوده و اعاده به کار وی پس از انتصاب و فاقد وجه قانونی بوده است. همچنین بنابر اظهارنظر سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و کمیسیون اصل ۹۰ و همچنین مبتنی بر سیاست‌های وزارت صمت، به کارگیری بازنشستگان در فولاد مبارکه غیرقانونی و مخالف سیاست‌های اعلامی دولت بوده است.

از طرف دیگر عظیمیان فاقد تخصص در صنعت فولاد بوده و بنابر نظر کارشناسان متخصص این صنعت و با توجه به سابقه سه‌ساله مدیریت در این بنگاه بزرگ ملی، وی فاقد صلاحیت تخصصی برای اداره این شرکت بوده است. نکته قابل‌تأمل اینکه، وی به‌همراه خود بیش از ۳۰ نفر افراد فاقد صلاحیت را به فولاد مبارکه می‌آورد. با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده، با ۲۰ نفر از افراد قراردادی تحت‌عنوان مشاوره توسط شرکت فنی‌مهندسی جی (۹۹ درصد سهام آن متعلق به فولاد مبارکه است)، منعقد شده که برای اکثر مشاوران ثبت کارکردی صورت نمی‌پذیرد و با توجه به اینکه محل سکونت تعدادی از آن‌ها در استان دیگری به جز اصفهان است، عملاً خدمات قابل‌توجه و موثری از سوی آنان ارائه نمی‌شود. این افراد ماهانه بیش از ۶۰ میلیون تومان حقوق دریافت کرده‌اند.

استخدام سفارشی ۲۰۰ بازنشسته در فولاد مبارکه

طبق بررسی‌های صورت گرفته بیش از ۲۰۰ نفر از بازنشستگان طی این مدت در فولاد مبارکه به کار گرفته شده‌اند. سپردن اغلب کرسی‌های هیات‌مدیره شرکت‌های تابعه و سرمایه‌پذیر به افراد معرفی شده از طرف مسئولان دولتی و برخی نمایندگان مجلس، رویه جاری مدیرعامل وقت فولاد مبارکه بوده است.

حقوق ۷۷ میلیونی مدیر روابط عمومی

براساس گزارش تحقیق و تفحص، مدیر روابط عمومی شرکت که از تاریخ ۲۰ بهمن ۹۹ در این شرکت منصوب شده، مبلغ قراردادش برای یک سال ۵۸۰ میلیون تومان (ماهی بیش از ۴۸ میلیون تومان) بوده که البته وی برای ۶ ماه و ۱۰ روز حدود ۴۶۸ میلیون تومان (بابت حقوق، مزایا، ماموریت و پاداش) دریافتی داشته است. به عبارتی وی به ازای هر ماه، حدود ۷۶ میلیون تومان حقوق دریافت کرده است. مورد قابل‌تأمل این که وی درحالی متولد سال ۱۳۶۳ است که در مدارک استخدامی تاریخ تولید وی سال ۱۳۴۸ ذکر شده است.

۳ میلیارد تومان حقوق دریافتی مدیرعامل!

۱۴ مهر ۱۳۹۷ با استعفای بهرام سبحانی از مدیرعاملی شرکت فولاد مبارکه، حمیدرضا عظیمیان به‌عنوان مدیرعامل جدید این شرکت انتخاب شد. طبق گزارش تحقیق و تفحص، مجموع پرداختی‌های صورت گرفته به مدیرعامل تا پایان شهریور ۱۴۰۰، جمعا مبلغ سه میلیارد و ۵۹ میلیون تومان بوده است. علاوه بر آن، مبلغ ۲۱۶ میلیون تومان بابت ماموریت خارجی بوده است. از کل مبالغ مذکور حدود ۸۳۱ میلیون تومان آن پاداش بوده است. علاوه بر آن، مبلغ ۳۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان نیز به‌عنوان سکه بهار آزادی دریافت کرده است. شایان ذکر است، پس از حضور گروه ویژه از سازمان بازرسی کل کشور و تاکید آن‌ها بر غیرقانونی بودن بخشی از دریافتی‌ها، حدود ۶۵۰ میلیون تومان از مبالغ دریافتی برگشت داده شده است.

براساس گزارش تحقیق و تفحص، حقوق ماهانه عظیمیان طبق مصوبه هیات‌مدیره در سال‌های ۹۷، ۹۸ و ۹۹ باید به ترتیب ۱۸/۹، ۲۳/۶ و ۳۰ میلیون تومان می‌بود اما محاسبات نشان می‌دهد دریافتی حقوق و دستمزد وی ماهانه حدود ۸۵ میلیون تومان بوده است. اما در سطح مدیران نیز دریافتی‌ها بسیار قابل‌تأمل است، به‌عنوان نمونه حقوق و مزایای معاونان شرکت فولاد هرمزگان در ۶ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰ به‌طور متوسط ماهیانه بالغ بر ۱۰۰ میلیون تومان بوده است. در نمونه‌ای دیگر مدیرعامل فولاد سنگان طی سال ۱۳۹۹ جمعا مبلغ ۸۷۳ میلیون تومان (ماهانه نزدیک به ۷۳ میلیون تومان) و در ۶ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰ در مجموع ۶۵۲ میلیون تومان (ماهانه نزدیک به ۱۰۹ میلیون تومان) بوده است.

ماجرای یک وانت گز اصفهان

یکی از بخش‌های قابل‌تامل در تخلیفات فولاد مبارکه، پرداخت غیرقانونی به اعضای غیرموظف هیات‌مدیره است. از جمله این افراد، اسرافیل احمدیه است. وی رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان بوده است. قرارداد اولیه ایشان از تاریخ اول دی‌ماه ۹۸ تا ۲۹ اسفند ۹۹ تحت‌عنوان مشاوره به فولاد و با مبلغ ۲۲۵ میلیون تومان با شرکت فنی‌ومهندسی فولاد مبارکه منعقد شده و در حالی که قرارداد به پایان نرسیده (چهار ماه بعد) قرارداد دیگری منعقد شد که شروع آن از تاریخ اول اردیبهشت ۹۹ تا پایان اسفند ۹۹ برای مدت ۱۱ ماه با مبلغ ۳۸۸ میلیون تومان بوده که ۱۱ ماه آن با قرارداد قبلی همپوشانی دارد. وی از تاریخ اول فروردین ۱۴۰۰ تا شهریور ۱۴۰۰ نیز قراردادی با مبلغ ۲۶۰ میلیون تومان منعقد کرده است. به عبارتی اسرافیل احمدیه از دی‌ماه ۹۸ تا شهریور ۱۴۰۰ در مجموع ۸۷۳ میلیون تومان قرارداد با این شرکت امضا کرده است. در خصوص کارکرد وی در گزارش تحقیق و تفحص آمده است: «هیچ‌گونه کارکردی برای ایشان ثبت نشده و کارکرد نام‌برده توسط شرکت فولاد مبارکه (حوزه منابع انسانی) تایید می‌شود. اسرافیل احمدیه در زمانی که رئیس سازمان «صمت» استان اصفهان بوده، در پاسخ به برخی اتهامات می‌گوید: «والله مواظب تمام اعمال و افکار خود هستم.» جست‌وجوها در مورد وی، ما را به یک داستان قابل‌تامل می‌رساند. وی طی مصاحبه‌ای، در پاسخ به این که «ماجرای ۸ میلیون تومان گزی که به وزارتخانه فرستادید و حراست از ورود آن جلوگیری کرد، چه بود؟ می‌گوید: «این را رد نمی‌کنم. هرساله این موضوع بوده و با پول خود سازمان گزی می‌خریم. درحقیقت بحث این بوده که برای همکاران آن جا گزی می‌بردند تا در سبد کالای آنها قرار دهند.»

پول‌هایی برای انحراف روند تحقیق و تفحص

در بخشی از گزارش در خصوص موانع و محدودیت‌های تحقیق و تفحص به نکات قابل‌تاملی اشاره شده است. در این بخش آمده است: «برخلاف مقررات ماده ۲۱۵ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، متاسفانه از زمان شکل‌گیری مقدمات تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه تا زمان عزل مدیرعامل سابق، موانع و محدودیت‌هایی از سوی فولاد مبارکه اصفهان و دستگاه‌های ذی‌نفع، ایجاد شد که معضلاتی را در راه اجرای بهینه و به هنگام فرآیندها باعث می‌شد. برخی از این موانع و محدودیت‌ها به قرار ذیل است: ۱- تاخیر در ارائه اطلاعات، ۲- ارائه اطلاعات ناقص، ۳- ارائه اطلاعات مخدوش، ۴- امحای اطلاعات، ۵- جلوگیری از ورود تیم‌ها، ۶- ممانعت از دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی، ۷- ممانعت از دسترسی به اسناد، ۸- تهدید پرسنل شرکت، ۹- ممانعت از برقراری ارتباط مستقیم با کارشناسان و مدیران و ۱۰- مانع تراشی‌های رسانه‌ای.

در بخشی از گزارش تحقیق و تفحص به هزینه‌های کمپین رسانه‌ای علیه طرح تحقیق و تفحص اشاره شده است. در این گزارش آمده: «شرکت از محل تنخواه مبالغی تحت عنوان ری‌توثیت و جریان‌سازی رسانه‌ای در خصوص تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه هزینه نموده است. برای نمونه مبلغ ۲۷ میلیون تومان طی سه فقره فاکتور جهت بازنشر خبر در کانال‌های خبری که عمدتاً وابسته به اشخاص حقیقی با گرایش خاص سیاسی هستند، مبلغ ۵۰ میلیون تومان جهت کاریکاتور و بازنشر خبر در خبرگزاری‌ها، مبلغ ۱۴۰ میلیون تومان جهت چاپ خبر در قالب پروژه «پوشش دستاوردهای فولاد مبارکه و موضوع تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه و مخالفت آن با اهداف اشتغالزایی» و مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان جهت پروژه «پاسخ‌گویی به شبهات و بیان دستاوردهای فولاد مبارکه و انگیزه تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه» هزینه شده است. گفته می‌شود جریان‌سازی انجام گرفته علیه فرآیند تحقیق و تفحص و برخی نمایندگان شاخص امضا کننده، پیش از تصویب آن صورت گرفته است.

از خرید کت و شلوار، خودرو تا ادکلن برای مدیران دولتی

شرکت فولاد مبارکه در راستای وظایف مربوط به مسئولیت اجتماعی خود، مبالغی به اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی و غیردولتی تحت عنوان کمک و مبالغی را نیز به‌عنوان هدیه به اشخاص حقیقی پرداخت و هزینه کرده است. جمع مبالغ پرداخت شده مهرماه ۹۷ تا تیرماه ۱۴۰۰ بالغ بر ۱۷۰ میلیارد تومان بوده در حالی که جمع مبالغ پرداخت شده در سال ۹۶ تحت همین عنوان مبلغ حدود ۵/۸ میلیارد تومان است که در مقایسه با سال ۹۶ در یک بازه زمانی ۶۰ درصد رشد داشته است. همچنین با بررسی محل هزینه این مبالغ در دوره زمانی سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۰، اهداف جانبی و شخصی که در راستای منافع شرکت نبوده مشخص شده است. در ادامه تعدادی از این دست پرداخت‌ها شرح داده می‌شود. نزدیک به ۹۹ میلیارد تومان پرداخت به اشخاص حقیقی و حقوقی که ماهیت موسسه ندارند، ۳۵ میلیارد تومان برای کمک به اجرای پروژه‌های شهرستان مبارکه، ۱۴ میلیارد تومان پرداخت هزینه‌ها و کمک و خودرو و احداث ساختمان برای یک دستگاه دولتی، ۱۸ میلیارد تومان پرداخت‌های کروناپی غیرمرتبط، ۲/۱ میلیارد تومان کارت هدیه به مدیران دستگاه‌های اجرایی، ۳/۲ میلیارد تومان برای در اختیار قراردادن خودرو به دفتر رئیس‌جمهور وقت و ...

ردپای سیاست‌مداران حکومتی در تخلیفات

براساس گزارش تحقیق و تفحص، شرکت فولاد مبارکه در مواردی اقدام به عقد قرارداد با اشخاص یا مجموعه‌های وابسته به ذی‌نفوذان سیاسی و اجتماعی کرده است که به‌عنوان نمونه می‌توان همسر واعظی رئیس دفتر رئیس‌جمهور وقت، عباس آخوندی وزیر اسبق راه‌وشهرسازی، قدرت‌الله نوروزی شهردار سابق اصفهان و... را نام برد. این موارد با دستور صریح مدیرعامل وقت و بعضاً به‌دلیل برقراری ارتباطات سیاسی و استفاده از این ارتباطات در جهت منافع فردی انجام شده است. صادرات در شرکت فولاد مبارکه دارای روش اجرایی مشخصی در تعیین مشتری و میزان و قیمت محصول فروخته‌شده به وی است.

شرکت آتلانتیک کمپیتی تریدینگ شرکت بازرگانی منتسب به محسن نهاوندیان و مدیرعاملی حیدری ثبت در کشور مالزی، در سال ۱۳۹۴ تقاضا برای دریافت کد مشتری و خرید محصولات از شرکت فولاد مبارکه را می‌نماید. لازم به ذکر است این شرکت دارای نمایندگی در داخل کشور به نام شرکت آربین فولاد غرب است. شرکت آربین فولاد غرب شرکت تجاری است و با وجود این که در سامانه بهین‌یاب ثبت‌نام نکرده در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ از طریق بورس کالا، مچینگ و خرید محصولات انباری، مقداری محصول تختال از شرکت فولاد مبارکه خریداری کرده است.

هم‌چنین شرکت آتلانتیک کمپیتی تریدینگ بدون ارائه قیمت پیشنهادی در تیر، مهر و آذرماه ۱۳۹۸ کلاف گرم و اسفندماه ۱۳۹۷ و دی ماه ۱۳۹۸ تختال دریافت کرده است. رسانه‌های جریان اصلاح‌طلب و صداوسیما نیز از بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان آگهی‌های تبلیغاتی فولاد مبارکه ذکر شده‌اند. رسانه تحت حمایت یکی از شخصیت‌های سیاسی و عضو کارگزاران سازندگی نیز ارقامی برای چاپ نشریه از فولاد مبارکه دریافت کرده که در گزارش تحقیق و تفحص از آن به‌عنوان ابهام یاد شده است.

نتیجه‌گیری

بانک جهانی با تاکید بر این که اقتصاد ایران به لطف فروش نفت به بالاترین میزان ثبت شده از زمان اعمال مجدد تحریم‌ها، توانسته برای چهارمین سال متوالی شاهد رشد باشد، هشدار داده که این رشد اقتصادی فراگیر نیست؛ چراکه بیش از ۲۸ درصد از ایرانیان فقیر هستند و ۴۰ درصد از خانوارهای نیز در معرض فقر قرار دارند.

طبق پیش‌بینی بانک جهانی، رشد تولید ناخالص داخلی کشور به موتور نفتی هم‌چنان ادامه داشته باشد. با این وجود انتظار می‌رود که با تداوم تورم‌های بلندمدت و کمبود شغل در اقتصاد ایران، در کنار دیگر چالش‌های اساسی مثل تحریم‌ها، کمبود برق و گاز، تغییرات آب‌وهوایی و بحران ناترازی نظام بانکی و بانزشتگی، رشد اقتصادی کشور چشم‌انداز قابل قبولی نداشته باشد.

تورم در کنار بازار کار نامطلوب که سبب شده تنها یک‌سوم از جمعیت کشور شاغل باشند، به فقر و نابرابری‌ها دامن زده و نارضایتی‌های اقتصادی - اجتماعی بلندمدت را تشدید کرده است.

محروم ماندن کارگر از حداقل‌های امکانات معیشتی، بهداشتی و آموزشی، رفاه اجتماعی و ستم و بی‌حقوقی که در حقیقت اعمال می‌شود، او را به نقطه‌ای رسانده که دانسته یا نادانسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، به همان اندازه مجبور به این جدال و جنگ باشد که برای زنده ماندن محتاج به آب و غذا و هوا. به طوری که سخت می‌توان باور کرد طبقه کارگر ایران توانسته باشد در عین سازمان‌نیافتگی و زیر سایه استبداد این سطح وسیع از مبارزات را سازماندهی کند.

این جدال همیشگی، درس‌ها و تجارب عملی بسیاری را به همراه داشته، اما تجارب ارزنده و عملی کارگران کم‌تر در جایی ثبت و ضبط شده است. به همین دلیل کارگران در هر دوره مجبور بوده‌اند مبارزه خود را از نقطه صفر آغاز و پیگیری نمایند، حال آن که اگر سندی مکتوب از نحوه سازماندهی و سبک و شیوه اعتراضات و جنبه‌های علنی و مخفی این سازماندهی‌ها در هر بخش وجود داشت قطعاً هزینه‌های کم‌تری به جنبش کارگری ایران تحمیل می‌شد.

طبیعتاً سازماندهی و اجرای یک اعتصاب بدون اتحاد ممکن نیست. اما آنچه معمولاً دیده نمی‌شود تضارب آرای کارگران با عقاید مختلف تا پیش از رسیدن به توافق جمعی است. این تکتک عقاید را در تنوع شعارها، در پیشنهاد نوع اعتراض‌ها و حتی جلو گذاشتن چشم‌انداز یک اعتصاب هم می‌بینیم.

کسانی با اولین دریافت قطره‌چکانی دستمزد، اعتصاب‌شکنی می‌کنند؛ برخی دنبال تغییر مدیریت هستند و برخی مشکل‌شان با کل خصوصی‌سازی است. برخی علاقه‌ای به سیاسی شدن مطالبات صنفی ندارند و برخی رفع مشکل گروه ملی را در گروهی حل ریشه‌ای مسائل کلان اقتصادی و سیاسی کشور می‌دانند. عده‌ای نیز به نتیجه نرسیدن راه‌های چندین بار رفته، هنوز لابی با مقامات و جمع کردن امضاء را موثرترین روش می‌دانند و عده‌ای دیگر بستن جاده و تظاهرات خیابانی را.

گروه دیگر افرادی بودند که هم حضور فعالی در اعتراضات داشتند و هم روابط نزدیکی با برخی مسئولان استانی هم‌چون نمایندگان مجلس خبرگان و ائمه جمعه و هم در خفا و آشکار با رفت‌وآمد به دفاتر و محافل این اشخاص به برگزاری جلسات با آن‌ها می‌پرداختند. به طوری که شائبه همسویی سیاسی و جناحی در مورد آنان وجود داشت.

در مقاطع بعدی اعتراضات هم هر بار که اعتصابی شروع می‌شد، کارگران برای تعیین گام‌های بعدی اعتصاب، در تجمعات درون کارخانه، روبروی استانداری و... دست به برپایی همین نوع از مجامع عمومی و بحث و مشورت میان خود می‌زدند.

اعتراضات کارگری با تمام ویژگی‌های بارزش، نتیجه نه فقط مبارزه دوساله دوره اخیر کارگران که دوره‌ها و دهه‌های قبل از این تاریخ است. آگاهی و شناخت کارگر از جایگاه طبقاتی‌اش در طول روند مبارزات و آزمون و خطاهای بسیار و حتی به انحراف رفتن‌ها و ارزیابی از دستاوردها و خطاهایش در هر دور به دست می‌آید تا آبدیده شود. به همین خاطر هم لازم است این مبارزه به شکل واقعی خود مورد بحث و بررسی قرار گیرد. هم‌چنین ضروری است که گرایش‌های درونی کارگران و دیدگاه‌هایشان را به رسمیت شناخت و راه‌کارهای واقعی و عملی ارائه داد نه شعارگونه و اراده‌گرایانه رفتار کرد.

پی‌تردید راه‌حل نهایی هم برای تحمیل مطالبات اقتصادی و اجتماعی به حاکمیت و هم‌چنین رهایی قطعی از فجایع و مصیبت‌های بی‌شمار جمهوری جهل و جنایت و ترور اسلامی، در اتحاد طبقاتی کارگران سراسر کشور و اتحاد جنبش کارگری با جنبش‌های دیگر هم‌چون جنبش بیکاران، زنان، دانشجویان و جوانان، محیط زیست، هم‌جنس‌گرایان و همه خلق‌های تحت ستم ایران است.

دوشنبه چهاردهم دی ۱۴۰۲ - بیست و پنجم سپتامبر ۲۰۲۳